

## برنامه سوم توسعه اقتصادی

## گرانی، پیکاری و تشدید استثمار کارگران

تورم به میانگین ۱۶ درصد ، افزایش صادرات غیرنفتی به ۳۵ میلیارد دلاردر طول ۵ سال ، و ایجاد سالانه ۷۶۵ هزار فرصت شغلی در طول اجری برنامه سخن گفت . محمد رضا باهنر رئیس کمیسیون اصلی رسیدگی به این لایحه نیزکمی بعد گفت که این کمیسیون و نیز مجلس، تغییر ساختاری در برنامه صورت نداده اند . با این ترتیب قوای مقننه و مجریه حکومت اسلامی دست به دست هم داده اند تا گویا عده ترین معضلات اقتصاد ایران را حل، و مردم ایران را طی پنجمال آینده رستگار نمایند ! ابتدا بینیم برنامه نویسان ، و تصویب کنندگان برنامه با چه ابزاری می خواهند به نتایجی که قرار است اجرای برنامه سوم به بار آورد، دست یابند. بررسی مواد تصویب شده برنامه و اظهارنظر کارشناسان سازمان برنامه و بودجه که برنامه

صفحه ۳

بررسی لایحه "برنامه پنجساله سوم توسعه اقتصادی" که از ۱۹ آبان در مجلس شورای اسلامی آغاز شده بود، روز ۷ آذر ماه به پایان رسید. این برنامه که مشتمل بر ۲۰۰ ماده است، به تصویب نمایندگان مجلس رسید و پس از تأیید شورای نگهبان، از سال آینده به اجرا گذارده خواهد شد. بر مبنای پندهای از این برنامه که به روزنامه ها راه یافته اند و بحث هائی که پیرامون برنامه صورت گرفته، جهت گیری برنامه، و نتایج حاصل از اجرای آن روشن می شود.

از ماهها پیش، مسئولان دولت در توضیح جهت گیری برنامه پنجساله سوم، به ایجاد اشتغال، افزایش صادرات غیر نفتی، رشد اقتصادی و کاهش تورم اشاره می کردند. خاتمی رئیس جمهور نیز به هنگام تقدیم لایحه به مجلس، از درصد رشد اقتصادی سالانه، کاهش نرخ

## بازهم چیزی تغییر نخواهد کرد

در حالیکه حدوداً دو ماه به انتخابات مجلس ارتعاج اسلامی باقی مانده است ، مطبوعات وابسته به رئیس جمهوری اسلامی از هم اکنون تبلیغات پر حجمی را برای کرم کردن تئور انتخابات و فراخواندن مردم به شرکت در انتخابات فرمایشی آغاز کرده اند. طرفداران خاتمی که در این بازار گرمی گوی سبقت را از رقبای خود ربوهد اند، از سرنوشت ساز بودن این به اصطلاح انتخابات سخن می گویند. آنها ادعای می کنند که با پیروزی ائتلاف طرفداران خاتمی در انتخابات مجلس ششم، اوضاع دگرگون خواهد شد و وعده های عملی نشده خاتمی، تحقق خواهد یافت. پادawan تبلیغات چی این جناح نیز در داخل و خارج از کشور به این ادعاهای شاخ و برق می دهند و از مردم می خواهند که هرچه وسیع تر در انتخابات شرکت کنند و به نفع این جناح یعنی به نفع امثال مجمع روحانیون ، کارگزاران ، حزب و جبهه مشارکت اسلامی رای دهند. ادعای " سرنوشت ساز " بودن این انتخابات ، ادعائی پوچ و بی اساس است. از زاویه منافع توده مردم، همه جناحهای هیئت حاکمه یک مشت مرتعج اند که پیروزی این یا آن جناح نمی تواند یک بهبود جی در وضعیت مردم و تحقق مطالبات آنها پیدی بیاورد. انتخابات ضددکراتیک و فرمایشی نه سرنوشت ساز است و نه چیزی را به نفع آنها تغییر خواهد داد. این واقعیت را مردم در طول ۲۱ سال حاکمیت جمهوری اسلامی تجربه کرده اند. اما از زاویه مناقشات درونی هیئت حاکمه و رقابت جناح ها نیز این انتخابات چیزی را تغییر خواهد داد و حتی اگر اوضاع به روای عادی هم پیش برود، بسطله قطعی جناح خاتمی در مجلس ارتعاج نخواهد انجامید. این بدان معنایست که

۲ صفحه

## دموکراسی شورائی، کنترل و نظارت کارگری،

## کام هائی به سوی سوسیالیسم

در این شماره

روحیه اعتراضی کارگران پروژه ای نفت خوزستان بالا می گیرد

انحصارات انگلیسی برای کسب سهم سود بیشتر از بازار ایران تقاض می‌کنند

مصاحبه با سخنگوی کمیسیون بین المللی جنبش رهائی بخش کلمبیا

1

16

۱۵

صفحات ۱۳ و ۱۴

زنگنه

صفحه ۱۶

خبری از ایران

۷

۹

دان پس از طلاق

صفحه ۱۶

خبری از ایران

پاسخ به سؤالات

اخبار کارگری جہان

اوائل آیان ماه امسال، اداره آمار اقتصادی بانک مرکزی ایران، طبق روال رقم سازیهای تاکنونی این، چنین اعلام کرد که متوسط شاخص قیمت کالاهای خدمات مصرفی در هفت ماهه اول امسال نسبت به دوره مشابه سال قبل ۹۶/۷ درصد افزایش داشته است! رئیس بانک مرکزی نیز در جای دیگری گفته بود نرخ تورم در پایان امسال به حدود ۲۰ درصد میرسد. این موضوع کاملاً روشن است که مقصود دولت و کارگزاران آن از طرح این دعاوی، آن است که امسال نیز مانند صفحه ۴

احتمال پیروزی قطعی جناح خاتمی را در انتخابات می بیند، بار دیگر گسترش بدمان هاشمی رفسنجانی شده و اورا به جلو صحنه فرستاده است. همین تاکتیک کافی بود تا اختلافات در میان جبهه دوم خردباری ها را دامن بزند. آنها قبلاً "اعلام کرده بودند که نام افرادی را که در لیست جامعه روحانیت باشند، در لیست خود قرار نخواهند داد، حالاً گروهی از جمله کارگزاران، حزب اسلامی کار و حزب مشارکت اسلامی، آشکارا از کنجاندن نام رفسنجانی در صدر لیست انتخاباتی گروه های هفده گانه و در عین حال ریاست‌آتی وی بر مجلس دفاع می کردند. برخی دیگر نظیر مجمع روحانیون نیز اگر و اما خود را قرار دادند و برخی با آن به مخالفت پرخاستند. هم اکنون کشمکش و اختلاف شدیدی بر سر این مسئله در جریان است. روشن است که این تاکتیک شدیداً جبهه دوم خردبار را تضعیف خواهد کرد. اما نتایج این تاکتیک به دوره انتخابات محدود نیست، بلکه نتایج خود را بویژه پس از انتخابات نشان خواهد داد. اگر ورود رفسنجانی به صحنه انتخابات مجلس قطعی شود، در آن صورت انتخاب او و ریاست اش بر مجلس قطعی است. اما در مجلسی که او ریاست اش را در اختیار داشته باشد، فراکسیون خود را نیز خواهد داشت. رفسنجانی با کارگزاران، گروهی از به اصطلاح مفتردين و مستقل‌ها و احیاناً حزب اسلامی کار و لااقل بخشی از حزب مشارکت اسلامی، فراکسیون خود را تشکیل خواهد داد و ظاهراً در میانه دو جناح دیگر قرار خواهد گرفت. یک فراکسیون نیز از واپستان به اکثریت کنونی مجلس تشکیل می گردد و فراکسیون دیگر نیز به مجمع روحانیون و موتلفین آن خواهد بود. در اینجا هیچ‌کدام از جناح‌ها به تنهائی اکثریت را نخواهند داشت و فراکسیون‌های اقلیتها شکل خواهد گرفت. با این توازن قوا نه تنها زمینه بند بازی رفسنجانی فراهم خواهد شد و در واقع او پیش برنده خواهد بود بلکه او در عمل حلقه واسط اتحاد فراکسیون خود و فراکسیون جامعه روحانیت و بازار خواهد شد.

بنابراین واضح است که تحت چنین شرایطی جناح طرفداران خاتمی "کاملاً" فلک خواهد بود. حتی اگر به فرض تحت شرایط ویژه ای آنها اکثریت کرسی‌های مجلس ارجاع را نیز بدست آورند، باز هم آب از آب نخواهد جنید و در چنین شرایطی نیز قادر نیستند سیاست دلخواه خود را پیش ببرند. اولاً "به این علت که در برابر آنها یک اقلیت قوی از جناح دیگر وجود خواهد داشت که بدون موافقت آن، چیزی تصویب خواهد شد، ثانیاً" شورای نگهبان ارجاع در بالای سرمجلس ایستاده است که از قدرت و توانی تمام مصوبات برخوردار خواهد بود. در چنین حالتی قاعده‌تاً حرف آخر را مجمع تشخیص مصلحت منصوبین خامنه‌ای خواهد زد که با فرض شرکت رفسنجانی در انتخابات مجلس احتمالاً آدم‌های مثل ناطق‌نوری در راس آن قرار خواهد گرفت و اختلافات را به نفع جناح خود حل خواهد کرد. پس از هرجهت که به قضیه نگاه نمی‌باشند، این انتخابات هم چیزی تغییر خواهد کرد ولی در حدان آن چیزی که جناح خاتمی خواهان آن است. با این تحلیل روشن است که مجلس آینده ارجاع به شدت بحرانی خواهد بود و بی ثباتی و بحران در مجلس، برتعیین و تشديد دیگر بحرانهای رژیم تاثیر خواهد گذاشت.

دیگر اهداف خود را عملی‌سازند. کمیتای متشكل از نایاندگان دولت، مجلس و شورای نگهبان تشکیل شد ولی به نتیجه ای نرسید. در مجلس توافق شد که در قانون انتخابات، شرایط علیه غیر خودیها سخت تر شود، اما شورای نگهبان در برخورد با خودی‌های جناح رقیب انعطاف پیشتری نشان دهد و حداقل این که "رسماً" دلائل رد صلاحیت‌ها را اعلام کند. این در قانون جدید به تصویب رسید. اما شورای نگهبان هم پنديزیرفت و آن را مقایر قانون اساسی و شرعاً اعلام نمود. سرانجام مجمع تشخیص مصلحت ایا مد نظر قرار دادن خواست شورای نگهبان، آن را بین شکل تصویب نمود: شورای نگهبان باید علل و مدارک رد صلاحیت کاندادادها را به آنها ابلاغ و اعلام نماید، اما چند مورد استثنای نیز قائل شد. از جمله موارد مربوط به خدشه دارشدن امنیت ملی و نیز مواردی که به حقوق افرادی غیر از داوطلب لطفه وارد آورد. این استثنایات در واقع بین معناست که نظر شورای نگهبان پنديزیرفت شد. بنابراین نه تنها در قانون جدید، نظارت استصوابی برقرار ماند و شورای نگهبان می‌تواند بر تمام مراحل نظارت داشته باشد، بلکه با استناد به مصوبه مجمع تشخیص مصلحت رژیم می‌تواند در برخی موارد حتی دلائل رد صلاحیت‌ها را نیز اعلام نمکند. جناح وابسته به جامعه روحانیت و بازار با دراختیار داشتن این‌اهرم قادر است همانند گذشته تعدادی از کاندیداهای جناح رقیب را از گردونه خارج کند و تنها آنها را تائید کند که "کاملاً" خودی محسوب می‌شوند. تاکتیک دیگر این جناح سرکوب برخی از شخصیت‌ها و تعطیل روزنامه‌های وابسته به جناح خاتمی است. این بویژه شامل افراد و روزنامه‌های اشخاصی است که اندکی بیش از آنچه که در جمهوری اسلامی مجاز است حرفاً می‌زنند یا می‌نویسند. این تاکتیک دو هدف را دنبال می‌کند. از یک طرف با محکوم و زندانی کردن این افراد آنها را از دور انتخابات حذف می‌کنند و از سوی دیگر از بازارهای تبلیغاتی را از دستشان می‌گیرند. روزنامه‌هایشان را تعطیل می‌کنند. تازه ترین نمونه کاربرد این تاکتیک در مورد عبدالله نوری و روزنامه خردادر بود. اما اقدامات این جناح در آنچه که گفته شد و در کاربرد تاکتیک‌های "صرفاً" سرکوب‌گراند خلاصه نمی‌شوند، بلکه به تاکتیک‌های پیچیده تری نیز متولّ شده است تا مانع از آن گردند که طرفداران خاتمی به یک اکثریت در مجلس دست یابند. یک نمونه از این تاکتیک‌ها، تاکتیک شکاف انداختن در میان نیروهای جبهه موسوم به دوم خردادر بوده است که هم اکنون نیز تأثیر پیسایار زیاری بر افکار عمومی بگذارد، شدیداً "از جناح خاتمی طرفداری" می‌کند. معهداً عوامل خنثی کننده مقابله عمل می‌کنند که مانع از پیروزی قطعی این جناح می‌گردند. جناح رقیب از مدتی پیش تاکتیک‌های متعددی را برای مقابله با پیروزی قطعی جناح خاتمی در دستورکار قرارداده است. از جمله برای سخت کردن شرایط دسترسی جناح شد که رفسنجانی در انتخابات شرکت خواهد کرد و در صدر لیست جناح مقابله قرارداد. جناح بازار و جامعه روحانیت که زمانی با انتخابات مجدد رفسنجانی به ریاست جمهوری مخالفت کرد و حتی کارگزاران وابسته به او را مورد حمله قرار داد و دسته جات حزب الهی شان نماز جمعه اورا برهم زندن، حالاً که با وضعیت بحرانی، دشوار و پیچیده ای رویرو شده است و

## بازهم چیزی تغییر نخواهد کرد

جناب رقیب خاتمی، موقعیت کنونی خود را حفظ خواهد کرد. بالعکس این جناح نیز سلطه کنونی خود را از دست خواهد داد و از این رو به ظن قوی مجلس ششم، بی ثبات ترین و بحرانی ترین وضعیت مجالس رژیم را در طول حیات آن خواهد داشت. دلالت این امراز هم اکنون مشهود است. جناح مسلط کنونی در مجلس با چنان نفرت و انتزاعی از سوی مردم روبروست که تا حد زیادی پایگاه ناچیز خود را در میان عقب مانده ترین بخش سنتی و مذهبی مردم نیز از دست داده است. نقطه انکه این جناح اکنون بورژوازی، تجاری بخش کوچکی از کسیه خرد پا بویژه در شهرهای کوچک، نیروهای سرکوب از جمله سپاه، بسیج، نیروی انتظامی، جبهه خواران وابسته به نهادهای رنگارانگ این جناح، استثنایات در واقع بین معناست که نظر شورای نگهبان پنديزیرفت شد. بنابراین نه تنها در قانون جدید، نظارت استصوابی برقرار ماند و شورای نگهبان می‌تواند بر تمام مراد نظارت داشته باشد، بلکه با استناد به مصوبه مجمع تشخیص مصلحت رژیم می‌تواند در برخی موارد حقوق دلائل رد صلاحیت‌ها را نیز اعلام نمکند. جناح وضعیت وجود داشته است، معهداً در آن زمان این جناح به راحتی می‌توانست با زور و فشار مردم را به پای صندوقهای رای بکشاند که بد کاندیداهای او را دهنده و حتی اگراین نیز جوایگز نبود، بی درسر آراً چند میلیونی از صندوقها بیرون آورد. اما معضل این جناح این شوahd موجود نشان میدهد که این جناح دسترسی خود را گذشته نیز کما بیش همین اکثریت کنونی خود را حفظ کند. اما آیا این بدان معناست که جناح دیگر در چند میلیونی به پیروزی برساند. بنابراین شوahd شکی نیست که جناح دسترسی خود را حفظ کند. اما آیا این جناح از جناب دیگر نیتواند اکثریت قرار خواهد گرفت؟ پاسخ منفی است. شکی نیست که جناح خاتمی در مراتب بهتر از جناح دیگر قرار دارد. به جز بورژوازی تجاری، تمام بخش‌ها و جناح‌های مراتب می‌باشد که جناح خاتمی در موقعیتی به خود بورژوازی از وی حمایت می‌کند. قشر مرد خرد بورژوازی و بخشی از مردم عقب مانده مذهبی که از جناح دیگر بریده‌اند، نیز حامی وی هستند. این جناح، دستگاه عربیض و طویل اجرائی دولت را با تمام امکانات آن در اختیار دارد که می‌تواند به خوبی از آن به نفع خود در جریان انتخابات استفاده کند و سرانجام اینکه بورژوازی این جناح می‌باشد که می‌تواند تاثیر پیسایار زیاری بر افکار عمومی بگذارد، شدیداً "از جناح خاتمی طرفداری" می‌کند. معهداً عوامل خنثی کننده مقابله عمل می‌کنند که مانع از پیروزی قطعی این جناح می‌گردند. جناح رقیب از مدتی پیش تاکتیک‌های متعددی را برای مقابله با پیروزی قطعی جناح خاتمی در دستورکار قرارداده است. از جمله برای سخت کردن شرایط دسترسی جناح شد که رفسنجانی به کرسیهای مجلس، قانون انتخابات را تغییر داد و قانون انتخابات جدیدی به تصویب رساند. طرفداران خاتمی طی دو سال گذشته کوشیدند که به نحی خود را از شر نظارت استصوابی شورای نگهبان خلاص کنند، اما پس از موضع گیری خامنه‌ای به نفع شورای نگهبان و نظارت استصوابی، عقب نشینی کردند و کوشیدند از طریق توافق با جناح

## برنامه سوم توسعه اقتصادی

# گرانی، بیکاری و تشدید استثمار کارگران

کاملاً" باز کند و قانون جنگل را بطور کامل بر روابط کاروسرمایه، تحمل نماید، تاثیر اجرای برنامه سوم بر وضعیت کارگران را روشن تر میسازد. اما هنوز قبل از تقدیم این لایحه، خود مواد برنامه سوم، تغییرات قابل توجهی در مسئله باز نشستگی، از کار افتادگی، حق بیمه بازنیستگی، نحوه محاسبه مستمری بازنیستگی و قوت به زیان کارگران انجام داده است. همچین خصوصی شدن بیمه درمانی، تاثیر بسیار منفی بر وضعیت سلامتی و بهداشت کارگران و سایر اقسام کم درآمد که بتأثیر آمار سازمان تامین اجتماعی، بالتساب خانواده شان بـ ۲۵ میلیون نفر بالغ میشوند، خواهد داشت. با خصوصی شدن بیمه، کارگران از همین حادثه های فعلی نیز محروم میشوند.

از بحث های نمایندگان مجلس، کارشناسان سازمان برنامه و بودجه و اقتصاددان حکومت چنین برمیاید که آنان تنها راه حل غلبه بر بحران اقتصادی گذاری را بازگاردن کامل دست سرمایه داران داخلی و خارجی درچاپول منابع طبیعی و استثمار کارگران می بینند و در این راه حاضرند آنچه که به ضوابط و مقررات کار برمیگرد، همه "موانع" موجود را از میان بردارند. در این میان از پیش روشن است که شعارهای تهیه کنندگان و تصویب کنندگان برنامه سوم در زمینه ایجاد بیش از ۵/۳ میلیون شغل طی ۵ سال آینده، رشد اقتصادی ۷ درصدی و سایر موارد اعلام شده، جز شعارهای پوچی بیش نیستند. همین سیاست واکناری کلیه موسسات به سرمایه داران داخلی و خارجی خود در اولین گام صدھا هزاربیکار به ارتش بیکاران موجود اضافه خواهد کرد. رشد اقتصادی در چارچوب نظام موجود در وهله اول مستلزم ایجاد امنیت اقتصادی برای سرمایه داران است که مانع عده آن طی سالیان گذشته، تناقضات حکومت مذهبی و موانعی بوده است که این حکومت ایجاد کرده است. در زمینه تورم، سوای این مسئله که درصورت فقدان رشد اقتصادی و افزایش تولید، کاهش تورم ادعاهای پوچی باقی می ماند، کافی است شاره کنیم که بدختی از درآمدهای پیش پنی شده در برنامه، میباشد افزایش بهای کالاها و خدمات حاصل شود و برنامه، خود، بهای خدمات و کالاها را چندین برابر افزایش خواهد داد. برنامه سوم اقتصادی جمهوری اسلامی، قبل از هرچیز بیانگر این واقعیت است که طبقه حاکم، هیچ راه حل برای افزایش خواهد داشت. این میزبانی در این راه نیز کارگران را می سوزد و باعث خواهد شد که این این انتقال میکند، تنها و تنها برای استفاده از منابع طبیعی و نیروی کار ارزان است. حکومت اسلامی اگر نمی تواند بنا بر خصلت مذهبی اش، و هرج و مرد و سرمایه شان را به کشوری مانند ایران منتقل نماید، این معنی نیز تن میدهد، در عمل بسیاری از مقررات تاکنون معتبر قانون کار را نیز زیر پا می گذاردند. اما برای نمایندگان حکومت میانند که انتشار این خصوصی را ممنوع کرده است، واکناری اداره اسلامی (\*) که صنایع بزرگ، صنایع مادر، معادن، پانکداری، بیمه، هواپیمایی و غیره را در انتشار دولت قلمداد میکند، در موقع لزوم کان لم یکن اعلام شود و موانع خصوصی سازی که از اصل ۴۴ قانون اساسی ناشی می شود، قرار است توسط دولت رفع شود و در مواردی که اصل ۴۴ قانون اساسی واکناری برخی اموری به خش خصوصی را ممنوع کرده است، واکناری اداره سرمایه شان را به کشوری مانند ایران منتقل نماید، این معنی نیز تن میدهد، در عمل بسیاری از مقررات ذاتی حکومت، شرایط قابل انتکائی برای انتشار این آن گردد، فعالیت مربوط به اکتشاف، وسود برقی و چاپول پیروزی از کیسه کارگران بیشتر خرج میکند تا اقمه را برای سرمایه های خصوصی داخلي و خارجي دندان گیرتر کند. هیئت دولت و نمایندگان مجلس، بویژه آن بخش از برنامه سوم را که به کارگران مربوط میشود تاحد امکان مخفی نگاه میدارند، اما علیرغم این، یکی از مواد تصویبی این است که دولت ظرف ۶ ماه آینده باید در مقررات کاربازنگری کند و لایحه ای در این زمینه برای تصویب به مجلس ببرد. تنظیم این لایحه از سوی دولت که قرار است قید و بند ها را لازم داشت و پای سرمایه داران

سوم دروجه عمده دستپخت آنان است \_ و هم چنین بحث نمایندگان مجلس، نشان می دهد که هیئت حاکم ایران تنها راه برون رفت از بحران اقتصادی گذاری را از طریق سرشکن کردن آن بردوش کارگران و اتكلی به بخش خصوصی و سرمایه خارجی و واگذاری بخش های مختلف اقتصاد، و موسسات گوناگون به انحصار امپریالیستی می بیند. این البته، مسئله تازه ای تعديل اقتصادی و برنامه های اقتصادی اول و دوم قدم به صحنه گذاشت، روشن بود که لائق جناح قدرتمندی در درون حکومت اسلامی، برای غلبه بر بحران اقتصادی، راه حلی جز اتفاقاً به بخش خصوصی و سرمایه خارجی نمی بیند. از این جهت "برنامه پنجساله سوم" خاتمی، نقطه نهایی آن برنامه ای است که با ریاست جمهوری رفسنجانی به مرحله اجرا درآمد و جز تشدید بیکاری، گرانی، فقر و گرسنگی نتیجه ای برای کارگران و زحمتکشان نداشت و در دو سال پایانی دومنی دوره ریاست جمهوری او، چنان وضعیت اتفاقی در جامعه ایجاد کرد که ناگزیر شدند موقتاً اجرای آنرا متوقف سازند. نقاوت آنچه امروز بعنوان برنامه سوم توسعه تنظیم شده با دوره های گذشته در این است که اولاً "امروزتقریباً" تمام جناحهای درون حکومت اتكلی به سرمایه گذاری را تنها راه حل می دانند و اختلاف نظر قابل توجهی در این زمینه به چشم نمی خورد، و ثانیاً" تمام رودربایستی و پوشیده گوئی هارا به کناری نهاده اند و بدون استثنای تمام بخش های اقتصاد را به حراج بخش خصوصی و انحصارات جهانی گذاشتند. البته در این راه موانع حقوقی نیز برطرف شده و به پیشنهاد کاینده و با تصویب مجلس، قرار است اصل چهل و چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی (\*) که صنایع بزرگ، صنایع مادر، معادن، پانکداری، بیمه، هواپیمایی و غیره را در انتشار دولت قلمداد میکند، در موقع لزوم کان لم یکن اعلام شود و موانع خصوصی سازی که از اصل ۴۴ قانون اساسی ناشی می شود، قرار است توسط دولت رفع شود و در مواردی که اصل ۴۴ قانون اساسی واکناری برخی اموری به خش خصوصی را ممنوع کرده است، واکناری اداره سرمایه شان را به کشوری مانند ایران منتقل نماید، این معنی نیز تن میدهد، در عمل بسیاری از مقررات ذاتی حکومت، شرایط قابل انتکائی برای انتشار این آن گردد، فعالیت مربوط به اکتشاف، وسود برقی و چاپول پیروزی از کیسه کارگران بیشتر خرج میکند تا اقمه را برای سرمایه های خصوصی داخلي و خارجي دندان گیرتر کند. هیئت دولت و نمایندگان مجلس، بویژه آن بخش از برنامه سوم را که به کارگران مربوط میشود تاحد امکان مخفی نگاه میدارند، اما علیرغم این، یکی از مواد تصویبی این است که دولت ظرف ۶ ماه آینده باید در مقررات کاربازنگری کند و لایحه ای در این زمینه برای تصویب به مجلس ببرد. تنظیم این لایحه از سوی دولت که قرار است قید و بند ها را لازم داشت و پای سرمایه داران

## دولت در مورد نرخ تورم دروغ می‌گوید ،

### کارگران خواهان افزایش دستمزد مناسب با نرخ واقعی تورم اند !

مايحتاج عمومي بطور سراسام آوري بالا ميرود. نرخ هاي تورم چهل، پنجاه درصدی و گاه بيشتر برگارگران تحميل می شود . براین نرخ ها، هر ساله بطور مرکب افزوده می شود و نتيجه آن شده است که کارگران با دستمزدهای ناچيز و انک افزایش آن نيز به هیچوجه نه فقط نيتوياند معيشت خود را بهبود بخشندي، بلکه حتی نمي توانند سطح آن را در حد همان سال قبل و يا ماه هاي قبل حفظ نمایند. خاتمه و دولت دی نيز جز دروغ و جز مشتی حرف، چيزی تحويل کارگران نداده است و جز تشديد فشار برگرده کارگران کارديگر نکرده است. مقاييسه قيمت چند قلم از خوارکي ها در آستانه روی کار آمدن خاتمه باقیمت آنها درسال جاري، حاکي از تاچيز بودن رقم افزایش دستمزدهای اسمی نسبت به نرخ تورم و حاکي از تشدید فشار خارج از تحمل برگرده کارگران است. دراين مورد نيز ميلوان به روزنامه هاي رسمي و ايسته به رژيم مراجعيه کرد. هرچند که حقیقت قضایا از اين هم فاجعه بار تراست، معهدا با هيم ارقام نيز عمق فاجعه را ميتوان در يافت.

در ضمنن قيمت يك شانه تخ مرغ از ۵۵۶۶ ريال به ۹۴۴۶ ريال رسيده يعني ۱۶۷ درصد افزایش يافته است. ساير كالاها و خدمات مصرفی نيز به همین نسبت ها افزایش يافته و اينها در واقع مشتی نمونه خروارت است. در برابر اين ميزان بالاي افزایش قيمت ها که بطور متوسط به بيش از ۲۱۲ درصد ميرسد، دستمزد کارگران درسال ۷۶ حدود ۲۱ درصد و پارسال فقط ۱۹ درصد افزایش يافت. اين يعني چه؟ اين يعني اين که امسال ميبيايسن دستمزدهای کارگری به ميزان  $(21+19) = 40$  درصد افزایش داده شود تا کارگران تازه به سطح دوسال قبل برسند! بنابراین گرانی فزاينده و نرخ بالا و كمرشکن

درصفحه ۱۴

دولت همخوانی ندارد. حتی برمبنای همين ارقام نيز که هنوزيا واقعیت فاصله دارد، سال گذشته حاصل می بايستی به ميزان متوسط ارقام فوق يعني ۳۶ درصد به دستمزدها اضافه می شد و نه ۱۹ درصد!

اداعی جدي دلت و رئيس كل بانک مرکزي آن درمورد ميزان تورم سال جاري نيز همین دست است. امسال نيز همه کارگران شاهد همان روند افزایش شتابان و سراسام آور قيمت ها بوده اند و به عينه ديده اند که نرخ تورم، بسيار بيشتر و بالاتر از آن چيزی است که دولت ادعا می کند. دراين زمينه نيز شواهد بسياري وجود دارد که ما به ذكر درصد افزایش قيمت چند قلم كالا است به سال گذشته، اكتفا می کنيم . برای نمونه و طبق مندرجات روزنامه هاي رسمي رژيم، قيمت حبوبات در سال ۷۸ به ميزان **۱۰۰ تا ۱۵۰** درصد نسبت بسال گذشت افزایش يافته است، قيمت برنج وارداتي **۱۵۵** درصد برنج داخلی **۱۰۵** درصد قند و شکر تا **۴۰** درصد، چاي **۳۰ تا ۴۰** درصد تان ماشيني **۲۵** درصد کريمه حمل و نقل **۳۰ تا ۵۰** درصد و ويزيت پزشك **۱۰۰ تا ۱۵۰** درصد نسبت به سال گذشت افزایش يافته است. آب، برق، سوخت، گوشت، رogen، شیر و امثال آن نيز تمامان" با افزایش قيمت روبرو بوده است. تبادل فراموش کرد که روند افزایش قيمت ها همچنان ادامه دارد و تا آخر سال يقيناً" بر ارقام فوق اضافه خواهد شد. معهدا در اينجا نيز هيچيک از اين ارقام، با رقم ادعائي دولت انطباق ندارد. سال گذشت نيز ميزان رشد نرخ تورم حدود ۱۹ درصد اعلام گردید. کارگران ميدانند که اين رقم سازيهها برای آن است که دولت نمي خواهد دستمزد کارگران به ميزان نرخ واقعی تورم اضافه شود.

اليمن گذشته يا افزودن احتمالي درصد ناچيزی بر دستمزدهای اسمی کارگران، سر و ته قضیه را هم آورند . جمهوری اسلامي هرساله هزاران ميليارد تoman را صرف دستگاه هاي نظامي و نهادهای ارجاعی و بوروكاتيک خود ميکند و دست اندرگاران حکومتی نيز ميلياردها تومن را يك نوك قلم به حسابهای شخصی خود و نزدیکا شناسان واريز کرده و به جيب می زندند، اما همینکه نوبت به کارگران ميرسد، همان دستگاهها که از قبل دسترنج کارگران مي خورند، به قصد فربت و تضييق بيشتر حقوق کارگران به رقم سازى دست می زند و صاف و ساده دروغ می گويند.

اليمن اين ادعای پيش ازموعد رژيم و دست اندرگاران آن که برای ايجاد زمينه مخالفت با طرح افزایش دستمزد ها طبق خواست و توسط کارگران، يعني افزایش دستمزد ها متناسب با نرخ واقعی تورم به ميان کشideh ميشود، آنقدر غير واقعی و رسوا است که حتی بسياري از وايستگان به دستگاه حکومتی نيز آن را جدي نگرفته و باور نميکند چه رسد به کارگران که در هرگام واقعی زندگي روز مرد و در ازا خريد كالاها و خدمات مصرفی، يك ونيم تا دو برابر قيمت سال گذشت از آنان طالبه ميگردد. همکان و قبل از همه، کارگران ميدانند که اين نخستين يار نيسنست که جمهوری اسلامي و مقامات رسمي آن در مورد نرخ تورم علناً" دروغ می گويند. سال گذشت نيز ميزان رشد نرخ تورم حدود ۱۹ درصد اعلام گردید. کارگران ميدانند که اين رقم سازيهها برای آن است که دولت نمي خواهد دستمزد کارگران به ميزان نرخ واقعی تورم اضافه شود.

اين، در الواقع يكي از شگردهای مرسوم جمهوری اسلامي برای زدن و زير گرفتن حق و حقوق کارگران است، در عين آنکه رژيم مغض مصارف خارجي، می تواند ادعا کند دستمزد کارگران را به ميزان نرخ تورم در مورد افراد از اين افراد گفت شده بود که نرخ تورم در سال ۷۷ حدود ۱۹ درصد است و دولت جمهوری اسلامي نيز ظاهراً" همین را مبنای افزایش دستمزدها قرار گذشته ۱۹ درصد بود؟ آيان رخ تورم در سال ۷۷ در مورد افراد از اين افراد گفت شده بود؟ آين رخ تورم در سال ۷۷ فقط کارگران نبودند که اين دروغ آشكار را باور نكرينند، واقعیت هاي مربوط به افزایش سراسام آورقيمه ها به قدری سرinxت بود که حتی از درون جناح هاي حکومتی و طرفداران نظام نيز اين ادعاه را داشت. برای نمونه ميتوان به روزنامه رسالت و ارقام اراده شده آن در مورد افزایش قيمتها در سال ۷۷ که با سال قبل آن مقاييسه شده است اشاره کرد. طبق گزارش مندرج در يكى از شماره هاي مردادماه سال جاري اين روزنامه، در سال ۷۷، قيمت حبوبات به ميزان **۵۲/۴ درصد**، نان، برنج و غلات **۴۹/۱** درصد، آب، برق، سوخت و **۲۹/۱ درصد**، رogen و كره **۳۶/۶ درصد**، گوشت، گوشت گوسفند **۲۵/۳ درصد**، امور بهداشتی و درمانی **۲۲/۹ درصد** و خدمات به ميزان **۲۲/۱ درصد** نسبت به سال قبل افزایش داشته است. با وجود آنکه درصد افزایش قيمتها در بسياري از موارد از اين ارقام هم بيشتر بوده است، با اين همه هيچيک از اين ارقام با نرخ ۱۹ درصدی ادعائي

### در جدول زير قيمت برخی اقلام خوارکي ها در اوائل سال ۷۶ و ميزان افزایش آن تا اواسط سال ۷۸ و نيز ميزان درصد افزایش قيمت بدست داده شده است.

درصد افزایش	قيمت يك کيلو به ريال ۷۸/۷/۲۲	قيمت يك کيلو به ريال ۷۶/۱/۲۹	نوع کالا	شماره
۲۳۷	۱۰۹۲۰	۴۷۳۳	برنج داخلی	۱
۱۶۸	۴۸۸۸	۲۹۰۰	برنج وارداتي	۲
۳۴۸	۶۱۷۶	۱۷۷۳	نخود	۳
۲۶۳	۷۱۵۴	۲۷۱۰	لپه	۴
۲۷۰	۷۲۸۲	۲۹۲۰	عدس	۵
۱۹۰	۱۶۳۱	۳۴۰۷	لوبیا قرمز	۶
۱۷۵	۹۲۱۵	۵۲۶۴	مرغ	۷
۱۶۰	۱۹۶۲۷	۱۲۹۶۰	گوشت گوسفند	۸
۱۷۰	۲۱۶۳۸	۱۲۹۳۳	گوشت گاو	۹
۲۰۶	۳۷۷۰	۱۸۲۷	قند	۱۰
۱۸۹	۳۲۶۲	۱۷۲۰	شکر	۱۱

## دموکراسی شورائی، کنترل و نظارت کارگری، گام هائی به سوی سوسیالیسم

خودرا طرفدار آزادی های سیاسی جا بزند و به مردم و عده آزادی دمکراسی بدهن. با این همه، در منتهی الیه افق دید این نیروها که در میانشان از سلطنت طلب و جمهورخواه گرفته تا برخی جریانها و محافل به اصطلاح چپ نیز دیده می شود ، حتی وقتی که پای سرگونی جمهوری اسلامی را هم ( هرچند که با تزلزلات و تردید های بسیار ! ) به میان بکشد، استقرار یک مجلس موسسان و دمکراسی پارلمانی قرار گرفته است. برغم اختلافات شکلی و تلون نظری در میان این نیروها ، آنان در این نکته اساسی اشتراک نظر دارند که به هروسیله ای که شده کارگران و زحمتکشان را از مشارکت واقعی در اداره امور جامعه و کشورداری بازدارند. آنها میخواهند، دستی برسور روی مجلس خبرگان و شورای اسلامی بکشد و تصمیم گیری درمورد کارگران و زحمتکشان و عموم توده های مردم را اینباره مجلس دیگری از همان فماش مجالس پیشین منتقل کنند، به نحوی که بازهم خودشان و نمایندگان خودشان در پارلمان، بجای کارگران و زحمتکشان تصمیم گیری کنند و برای آنها قانون و مقررات وضع کنند و درنهایت حداکثر این اجازه را به مردم بدهن که هر چند سال یکبار به پای صندوق رای بروند و آراء خویش را " آزادانه " به نفع یکی از سرمایه داران و نمایندگان آنها به صندوق بیاندازند واسم این راهم البته گذاشتند اند آزادی و دمکراسی! روشن است که این دسته از نیروها لو آنکه خود را مخالف جمهوری اسلامی بخوانند و به مردم و عده آزادی دمکراسی بدهن، اما با دفاع از پارلمان بورژوازی در واقع امر به روشنی نشان میدهند که به هیچوجه نمی خواهند مردم بطور واقعی در تعیین سرنوشت خودشان نقشی داشته باشند، نمی خواهند به دستگاه دولتی و نهادهای سیاسی بورژوازی خالی وارد شود. آنان بادفاع از مجلس بورژواها و سایر نهادهای سیاسی این طبقه که ابزار سیاست بورژوازی و ابزاری برای حفظ منافع و امتیازات بورژوازی و بالاخره ابزاری برای حفظ قدرت سیاسی در دست این طبقه است ، در واقع امر تحت عنوان آزادی و دمکراسی، خواهان تداوم بوروکراسی و خواهان دیکتاتوری بورژوازی و ادامه وضع موجودند. معهدها باید خاطر نشان ساخت که طرفداران مجلس موسسان و پارلمانتاریسم بورژوازی بخت چندانی ندارند. اگر چه احتمال استقراریک چنین نظامی را نمیتوان بلکی منتفی شمرد ، اما این مسئله قطعی است که سیستم پارلمانتاریسم بورژوازی پاسخ گوی نیازهای سیاسی - اقتصادی توده های کارگر و زحمتکش نیست. صرف نظر از عوامل دیگر، نباید فراموش کرد که سیستم پارلمانی مجلس موسسان، اگر چه زمانی آنهم در مقایسه با دوران قرون وسطاً مترقی بود، اما در دوران انقلابهای پرولتاری و در برای نهاد های پرولتاری، ارزش بسیار محدود خودرا نیز از دست داده و به نهادی بلکه کهنه و ارتقایی تبدیل شده است. باید اضافه کرد که بورژوازی ایران بعلت ماهیت ارتقایی و ضد انقلابی اش ، حتی همان دمکراسی پارلمانی و تحقق اقدامات واژادیهای سیاسی سروید بريده به نفع مردم را هم نمی پذيرد . خلاصه انکه نه در چارچوب دمکراسی پارلمانی و آزادی های بورژوازی و نه بطريق اولی در رژیم جمهوری اسلامی پیراش یافته و دست کاري شده، کارگران و زحمتکشان و توده مردم نه بطور واقعی

برای تزیین دمکراسی بورژوازی وتعريف از نهادهای بورژوا دمکراتیک ، باید براین مسئله تاکید شود که شوراهای از هرگونه نهاد دمکراتیکی دمکراتیک تر است چرا که آزادیهای سیاسی را برای اکثریت عظیم مردم جامعه ، به کامل ترین و وسیع ترین شکل تامین میکند.

مردم رحمتکش ایران از آزادی های سیاسی محروم بودند. مجلس ارتجاع و فرمایشی شورای ملی نهاد قانون گذاری بود و برفراز سر آن خدایگان شاهنشاه آریامهر و دستگاه سلطنت پهلوی، با اعمال یک دیکتاتوری خشن، مقدماتی ترین حقوق دمکراتیک مردم رالگد مال کرده بود. توده های رحمتکش مردم ایران برای رسیدن آزادی و رهایی از ستم و بندگی بیا خاستند ، عليه شاه قیام کردند و نظام سلطنتی را به گور سپردند. اما رژیمی که بجای آن نشست، خود در زمرة به گور سپرده شدگانی بود که در اعماق تاریکی و جهالت منشأ داشت و نه فقط آزادی و رهایی را به ارمغان نیاورد ، بلکه با ادغام اشکار و کامل دین در دولت و دفاع سر - سختانه از یک روبنای سیاسی عمیقاً ارتقای و عهد عتیقی ، اختناق بیمانندی را بر کشور مستولی ساخت و در اعمال خشونت و سرکوب و پایمال کردن حقوق دمکراتیک مردم ، روی شاه را هم سفید کرد. هم اکنون بیش از دو دهه است که این رژیم به سرکوب کارگران و آزادی خواهان مشغول است و اکثریت عظیم جامعه را هم سفید کرد. هم اکنون بیش از مردم و مافق و سمعت از این طبقه که نهادهای اداره امور جامعه را بکلی منحل کرده و خودشان اداره کنند. نظمی که در آن اثرب از ستم و استثمار باقی نباشد . برنامه سازمان دنیایان (اقلیت) بیان موجزی از بپایانی چنین نظمی است . و درست به منظور دست یابی به چنین نظمی است که در برنامه فوری ما بر حکومت شورائی و شوراهای کارگری و برکنترل و نظارت کارگری موکدا" تاکید شده است. اجرای فوری دمکراسی شورائی و کنترل و نظارت کارگری به منظور انتقال به سوسیالیسم برناهه ما را از برناهه همه سوسیالیست های درگفتار و بدیلی و همه کسانی که به نظم موجود امید بسته اند، متمایز میسازد. بدون استقرار دمکراسی شورائی و بد قدراری کنترل و نظارت کارگری ، ولو آنکه جمهوری اسلامی هم سرنگون بشود، هیچ بحثی از پایان ستمگری ها و هیچ بحثی از یک دگرگونی جدی و عمیق و بطريق اولی هیچ بحثی از سوسیالیسم نمیتواند در میان باشد. بنابراین برهمه نیروهای سوسیالیستی فرض است هر جا که سرنگونی رژیم حاکم را مطرح میکند، بلا فاصله بر حاکمیت شوراهای و برقراری فوری کنترل و نظارت کارگری، بطور ویژه تاکید نمایند. این دو خواست فوری که مضمون آنها از چارچوب برنامه های حداقل قدمی کوئیست ها فراتر میرود ، شرط مداخله همه جانبی کارگران و زحمتکشان در امور سیاسی و کشورداری را وسیعاً " فراهم میسازد و از این هم مهتر ، امکان تشکل ، سازمانیابی، پیشروی پرولتاریا و تجدید سازماندهی جامعه رانیز مهیا می سازد.

نقش شوراهای در تامین آزادی و دمکراسی و تعمیق مبارزه طبقاتی

اما در مورد بورژوازی ایوزیسیون، شاید ظاهر قضیه چنین نباشد. تشدید و تداوم اختناق و سرکوب اسلامی، وسیله و بهانه ای شده است تا گروهها و محاذی خارج از حاکمیت، با انگشت گذاشتن براین مسئله، گرد و خاک راه بیاندازند،

منفعت سایر اقشار و طبقات در محدود کردن آزادی هاست، اما طبقه کارگر یگانه طبقه ای است که تامین منافع طبقاتی اش، رابطه تنگ و مستقیمی با آزادی های سیاسی پیدا می کند. برخلاف همه بورژواها و پالمانتریست ها و مبلغین مجلس موسسان و دمکراتی بورژوازی که همه تلاششان حتی چنانچه خواهان سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی هم باشد، واگذاری دو باره امور جامعه به طبقات دارا و نمایندگان آنهاست، طبقه کارگر از آنروخواهان سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار پلادرنگ دمکراتی شورائی است که می خواهد یک دگرگونی عمیق اجتماعی ایجاد کند و هرچه فوری تر مسیر زدن ریشه نظام سرمایه داری و استقرار نظام سوسیالیستی را هموارسازد. هرچقدر آزادیهای سیاسی کامل تر، گستردگی تر و همه جانبه تر باشد، طبقه کارگرین بخوبی، آسان تروسریع تر می تواند آگاه و مشکل شود و فراز های تازه تری از مبارزه طبقاتی را پشت سرنهاده و به آmag های سوسیالیستی خویش جامد عمل بپوشاند. از همین روست که طبقه کارگر پیگیر تر و جدی ترزا هرقشر و طبقه ای امدادع دمکراتی شورائی است. شوراآنظام شورائی بقول لنین، یگانه ابزاری است که صلاحیت و ظرفیت آنرا دارد تا پرولتاریا را بصورت طبقه حاکم مشکل کند و انتقال به سوسیالیسم را به بی درد ترین نحوی تامین کند.

## کنترل و نظارت کارگری

با حاکمیت شوراهای اجرایی دمکراتی شورائی، حقوق دمکراتیک آحاد مردم، کامل ترین و همه جانبه ترین آزادی های سیاسی تامین و تضمین خواهد شد. با اینهمه روش است که این، تازه آغاز کار است. حکومت شوراهای به مبارزه اش جهت تحقق اهدافی عالی ترداده میدهد و اصولاً "جز پیشروی و گام برداشتن به سمت جلو همیج راه دیگری ندارد. خارج از اراده هر کسی، واقعیت قضیه نیزازایین قرار است که دمکراتی شورائی نمی تواند در یک مکان درجا بزند و یا متوقف گردد. انقلابی که تحت رهبری طبقه کارگر به استقرار دولت شوراهای منجر می شود، باید بطور بی وقفه ادامه یابد و به مرحله عالی تر گذر کند و یا در صورت توقف، سند مرگ خویش را امضای کند. یا باید پیش رفت یا به قهقران، راه سومی وجود ندارد! مسئله اما این است که بدون گام برداشتن به سوی سوسیالیسم و بدون انجام فوری اقداماتی برای رسیدن به سوسیالیسم نمی توان به پیش رفت. از همین روست که حکومت شورائی در کنار ایجاد یک دمکراتی وسیع و همه جانبه و سطح دمکراتی شورائی و ایجاد زمینه های تشکل کارگران به عنوان یک طبقه، در زمینه مسائل اقتصادی و رفاهی و بنیادنور مقابله جدی با اوضاع و خامت بارا اقتصادی وبالآخره دمکراتیزه کردن اقتصاد کشور نیز، یک رشته اقدامات رادیکال و فوری را پلادرنگ به مرحله اجرا می گذارد و کنترل و نظارت کارگری بر امور اقتصادی را برقرار می سازد.

مقابله جدی با بحران و از هم گسیختگی اقتصادی، کمبود کالاهای وسوس استفاده های سرمایه داران، ایجاد میکند که از همان نقطه تولید، یک کنترل دمکراتیک برقرار شود و در تمام کارخانه ها و موسسات کنترل کارگری معمول گردد. این بدان

## دمکراتی شورائی، کنترل و نظارت کارگری، گام هائی به سوی سوسیالیسم

تصمیم گیری از فراز سر توده های کارگر و زحمتکش خبری نیست. شوراهایی الواقع این امکان را فراهم می سازند که کثیرالعدد ترین توده های مردم زحمتکش، دروغی ترین سطح ممکن به میدان بیانید و در مورد سیاستها و مسائل جامعه مداخله و تصمیم گیری کنند. برخلاف دمکراتی بورژوازی که یک دمکراتی صوری یعنی محرومیت واقعی اکثریت عظیم جامعه از مشارکت در امور سیاسی و محرومیت از حقوق و آزادیهای سیاسی است، در اینجا این اکثریت عظیم، خود آزادی و دمکراتی به چنگ می آورد و از آن حرastت میکند. این آزادی و دمکراتی، آزادی و دمکراتی به نفع عده قلیلی از صاحبان ثروت و سرمایه نیست. این نوع جدیدی از دمکراتی، یک دمکراتی واقعی است. دمکراتی به نفع اکثریت جامعه، یعنی دمکراتی شورائی است. در دمکراتی شورائی تمامی امتیازات اقشار ممتاز و سیستم انتسابی مقامات لغو شده است و قدرت دولتی در اختیار نمایندگان انتخابی شوراهای کارگران و زحمتکشان است که به اراده خود آنها نیز قابل عزل می باشند. فقط با اجرای دمکراتی شورائی است که می توان حقیقت مسلم انگشت بگذارند که حتی دمکراتیک ترین جمهوری بورژوازی، چیزی جز ماشین سرکوب طبقه کارگر به دست زحمتکش به دست مشتقی سرمایه دار نیست. کارگران و زحمتکشان زمانی می توانند بطور واقعی به آزادی های بورژواها رها شوند که قهراً رژیم جمهوری اسلامی را سرنگون سازند، قدرت در همین خلاصه نمی شود. ضرورت تأکید بر شوراهای ساختار شورائی دولت فقط از جنبه جلب و جذب کارگران به شرکت در سیاست و کشور داری و تامین یک دمکراتی واقعی و کامل ترین و همه جانبه ترین آزادیهای سیاسی نیست. اهمیت اساسی شوراهای در این است که این نهاد، به بهترین نحوی شروط مقدماتی و زمینه های بسیار مهمی برای امورش و ارتقاء سطح آگاهی کارگران و زحمتکشان را درست طی سیار وسیع و بطور همه جانبه فراهم می سازد. شوراهای ساختار شورائی دولت، آنچنان زمینه مساعدی را که پرولتاریا بتواند خود را بصورت یک طبقه مشکل سازد و به اهداف سوسیالیستی خود جامعه عمل پوشاکند. فراهم می سازد. اگر چه این واقعیتی است که هنگام طرح مطالبات آزادی خواهانه و مطالبات رفاهی و نیز مبارزه برای آن، طبقه کارگر تهنا نیست و اقشار تهیه است و لایه های پائینی و میانی خود بورژوازی نیز در این مبارزه مشارکت دارند و طبقه کارگر را همراهی میکنند، اما نایاگری ذاتی و ماهیت سیالش، هر لحظه میتواند به اردیو بورژوازی بپیوندد. حقیقت آن است که طبقه کارگر پیگیر ترین مدافع و مبارزه راه آزادی است. طبقه کارگر خواهان کامل ترین، وسیع ترین و همه جانبه ترین آزادی های سیاسی است. از آنجا که شوراهای از درون مبارزه کارگری متولد شده اند و برای کارگران و زحمتکشان مقوله شناخته شده ای به حساب می آید، و از آنجا که اندیشه سازمان شورائی، اندیشه ای ساده است، بنابراین به سهولت در میان کلیه زحمتکشان و قبل و بیش از همه در مورد طبقه کارگر قابل اجراست. در حالیکه از آزادیهای سیاسی برخوردار می گردند و نه می توانند به اعمال اراده خویش بپردازند و مطالبات خود را متحقق سازند. اگر بورژوازی و اعوان و انصار آن بمحظوظ تداوم بورکراتیک اصرار منجمله مجلس موسسان و پارلمان بورژوازی دفاع میکنند، اگر با پز آزادیخواهی این نهادها را عین دمکراتی قلمداد می کنند و خلاصه می خواهند با حقنه کردن یک جمهوری دمکراتیک بورژوازی بر مردم، باز هم عده قلیلی در بالا برای اکثریت عظیمی در پائین تصمیم بگیرند و مانع از آن شوند که این اکثریت عظیم خودشان سرنوشت خوشان را رقم زنند، در عوض کمونیست ها و همه نیروهای چپ رادیکال و انقلابی وظیفه دارند بر پربرورت بی درنگ درهم شکستن ماشین بوروکراتیک نظامی موجود و بر ضرورت بی بروبرگرد مداخله توده ها در امور جامعه و ابتکار عمل مستقیم و بلاواسطه کارگران و زحمتکشان تاکید نمایند. کمونیستها بایستی براین حقیقت مسلم انگشت بگذارند که حتی دمکراتیک ترین جمهوری بورژوازی، چیزی جز ماشین سرکوب طبقه کارگر به دست بورژوازی و چیزی جز ماشین سرکوب مردم کارگران و زحمتکشان زمانی می توانند بطور واقعی به آزادی های بورژواها رها شوند که قهراً رژیم ستم و بندگی بورژوازی واقعی نمی توانند که شوراهای ساختار شورائی دولت ازاعمال اراده کارگران و زحمت کشان و یک دمکراتی واقعی نمی توانند درمیان باشد. بنابراین مقدم بره رکاری، دستگاه کهنه دولتی رایاپستی داغان کرد و بجا آنچنان دستگاه نوینی را پی ریزی نمود که امکان اعمال اراده مستقیم و حاکمیت بلاواسطه طبقه کارگر و سایر زحمتکشان را فراهم می سازد. شوراهای و حاکمیت شوراهای یگانه شکل مناسبی است که از یک چینین خصوصیتی برخوردار است و میتواند به بهترین نحوی اراده مستقیم و حاکمیت بلاواسطه کارگران و زحمتکشان را فعالیت بخشد. چرا که شوراهای و حکومت شورائی، آن نوع قدرتی است که نه بر قانون صادره از طرف یک قدرت مرکزی دولتی، بلکه مستقیماً بر تصرف انقلابی و ابتکار بلاواسطه توده زحمتکش مردم ممکن است. شوراهای ساختار حکومت شورائی، از ریشه متفاوت است. ذات حکومت شورائی به این است که شالوده دائمی قدرت و دستگاه دولتی را سازمان توده ای طبقات تحت ستم سرمایه داری یعنی کارگران و زحمتکشان تشکیل می دهن. کارگران و زحمتکشان با مشکل شدن در شوراهای از پائین ترین سطوح، از کارخانه ها و مراکز خدماتی و محلات گرفته تا سطوح بالا، بطور واقعی و فعلانه در تصمیم گیریها و امور جامعه شرکت می کنند. خودشان ابتکار عمل و اداره امور کشور را بدست میگیرند و از طریق همین شوراهای به اعمال اراده و حاکمیت می پردازند. در اینجا دیگر از سلسله مراتب بوروکراتیک و



## تجمع و راهپیمانی کارگران پیمانی نفت

روز پنجم شنبه هفته گذشته، کارگران پیمانکاری پاسارگاد وابسته به شرکت نفت در جزیره خارک، در اعتراض به عدم پرداخت حقوق خود دست به راهپیمانی و تجمع در برابر بخشداری زدند. کارگران پیمانکاری پاسارگاد چندین ماه است که حقوق و مزایای خود را دریافت نکردند. آنها کنون چندین بار دست به تحصن و راهپیمانی زده اند اما هر بار باعده و عیید کارگران را آرام کرده اند.

کارگران در این گودهم آشی اعتراضی خود، تهدید نمودند که اگر به زودی حقوق های معوقه پرداخت نشود، در چندروز آینده دست به اقدامات اعتراضی دیگری خواهند زد. در حالی که رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی هرسال میلیاردها دلار حاصل درست نیج کارگران را به جیب می زند و هر روز تسهیلات بیشتری برای سرمایه داران قائل می شود، شرایط معیشتی کارگران دم به دم و خیم تر می شود و نخ توم روز به روز افزایش می یابد و دستمزد واقعی کارگران که پیوسته در حال کاهش یافتن است، دیگر به هیچوجه کفاف زندگی بخور و نمیر آنها را نمی دهد. اما سرمایه داران و دولت آنها همین دستمزد ناچیز را نیز به موقع پرداخت نمی کنند. هم اکنون در سراسر ایران دهها هزار کارگر در کارخانه ها و موسسات مختلف، ماهه است که حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده اند. تنها شاهزاد کنیم که کارگران لوله سازی خوزستان نیز در شش ماه گذشته حقوقی دریافت نکرده اند و علاوه براین ۴۰ کارگر این کارخانه در معرض اخراج قرار گرفته اند. کارگران لوله سازی خوزستان هم اخیرا به دفعات دست به اعتراض زده اند. سرمایه داران و دولت آنها علاوه براین که از پرداخت به موقع دستمزد کارگران سریز می زند، برنامه های وسیعی برای اخراج صدها هزار کارگر دیگر درست اجرا دارند. شرک نفت از هم اکنون طرح اخراج دهها هزار کارگر پروره ای را در دستور کار قرارداده است. کارگران تنها با اتحاد، تشکل و مبارزه می توانند در برابر این اقدامات ضد کارکری مقاومت کنند. راهی جز اتحاد و مبارزه در برابر کارگران نیست. سازمان فدائیان (اقلیت) از مطالبات کارگران پیمانی، کارگران لوله سازی خوزستان و کارگران کارخانه ها و موسسات دیگر دفاع و پشتیبانی می کند و خواهان پرداخت فوری حقوق معوقه کارگران و توقف اخراج هاست.

**سونگون باد رژیم جمهوری اسلامی**  
سازمان فدائیان (اقلیت)  
۱۳۷۸/۸/۹

کار - نان - آزادی - حکومت شورائی

## زنان پس از طلاق

خواهان لغو توافق اولیه خود مبنی بر تفویض حق نگهداری فرزند به مادر می شود. مرد در دادگاه علت درخواست بارگشائی پرونده را "فساد اخلاقی" مادر عنوان می کند. دادگاه از گذشت مدتی، رأی بر "عدم صلاحیت" مادر

می دهد و در غایب زن، حکم اولیه دادگاه لغو می شود. نتیجاً "سرپرستی" کودک به پدر واکذار می شود. به عبارت دیگر قوانین حاکم به جای این که پدر را به جرم "آدم ربائی" مورد محکمه قرار دهد، به مجازات زن می پردازند. این قوانین تنها به مرزهای ایران محدود نمی گردند که در خارج کشور نیز به شکار زنان می پردازند. طی سال های اخیر دهها نمونه در آلمان و سوئد و هلند رخ داده است که مردان پس از طلاق با توصل به قوانین ضد زن در ایران، به مراکز رژیم در خارج مراجعه کرده و با همکاری سفارتخانه های رژیم، کودکان را ربوه و به ایران می فرستند. اما دامنه این تعریضات گسترده تر از اینهاست و تنها به آدم ربائی ختم نمی شود و زندگی زن را نیز تهدید می کند. در خارج از ایران، تقاضای طلاق از جانب زن گاهای "مرگ وی می انجامد. زیرا زن در صورت عدم تفاهم امکان جدایی را دارد و قوانین موجود، این ایندیحی حق را برای او منظور کرده اند. بر خودداری زن از چنین حقی، مردرا که حامی و محصول فرهنگ مرد سالارانه و واپسگرایی است، تا بدان حد تشجیع می کند که گاه همسر سابق خود را به قتل می رساند. اخیراً در هلند یک مرد ایران، مدتها پس از طلاق، همسر سابق و بچه هایش را به میهمانی دعوت می کند. اما این در واقع بهانه ای برای کشاندن آنها به خانه وقتل آنها بود. در این ماجرا زن سابق و دختر این مرد، به طرز هوشیانه ای به قتل میرسدند چرا که از ادعای وی آنها "فاسد" شده بودند و "تحت تاثیر فرهنگ غرب" قرار گرفته بودند. تکرار این ارجایف توسط قاتل در دادگاهی در قبال اروپا و ادعای اولمپی بر دفاع از "فرهنگ ایرانی" موجب شده که قاتل دو انسان تنها به ۴ ماه زندان محکوم شود. این که چرا کشورهای اروپائی در مقابل این خشونت آشکار، "فرهنگ" را به دستاویز بدل کرده اند، بحث دیگری است. آنچه حائز اهمیت است مبارزه با این قوانین و صدور آنان است.

گرچه برابری واقعی زن و مرد درگرو نابودی استثمار و ریشه های اصلی تبعیض جنسی است، اما همانطور که مبارزات برابری طلبانه زنان در کشورهای غربی نشان داده است، برای برابری زن و مرد در قوانین میتواند به فوریت به مورد اجرا در آید. در ایران مبارزه برای تامین برابر حقوقی زن و مرد، به یکی از ارکان اصلی مبارزات دمکراتیک تبدیل شده است. لغو کلیه قوانین تبعیض آمیز و تامین برابری کامل زن و مرد در طلاق، تکلف اولاد و ارث اولین گام جهت برابری واقعی زن و مرد است.

بیش از دو دهه حاکمیت جمهوری اسلامی، موقعیت زنان را نهاده اجتماع کدرخانواده نیز تضعیف نموده است. یکی از جنبه های آشکار بی حقوقی و تبعیضی که علیه زنان اعمال می شود، مسئلله طلاق است. سرپرستی و ریاست مرد درخانواده به مثابه کوچکترین نهاد اجتماعی، حتی پس از پایان زندگی مشترک تداوم می یابد. پروسه طلاق هفت خوانی است که عبور از آن به سختی می سرایست. محدودیت های متعددی که قانوناً و شرعاً روپرتوی زنان گذارده شده، گذر از موانع صعب العبور را تقریباً غیر ممکن می سازد. در مواردی که طلاق جنبه عمل به خود می گیرد، زن با معضل حق نگهداری فرزندان مواجه است چرا که قوانین این حق را نهایتاً به مرد واگذار کرده اند. پس ازطی این مراحل، زن مطلقه وارد اجتماعی می شودکه سرایا در بند فرهنگ متحجر و سنتی است. باز گشت زن به خانه پدری یا با تحقیر و توهین همراه است و یا در بهترین حالت او و فرزندانش را به سریاری بدل می کند. فشارهای اجتماعی که برزن وارد می آید گاه تا بدان حد است که او را در برابر سؤال "یا مرگ یا زندگی" قرار میدهد.

روزنامه ایران مورخ ۱۳ شهریور به حادثه ای در شهر یزد اشاره دارد که طی آن زنی پس از طلاق، دست به خود سوزی می زند. او که از تامین مخارج خود و دوفرزندش بازمانده بود، اقدام به خودکشی می کند. پس ازنجات از مرگ، وی انکیزه این تصمیم را "بن بست اقتصادی" معرفی می کند. مجله ایران جوان در شماره ۱۰۳ خود به ماجراهای دیگری می پردازد: "زن ۲۱ ساله ای به علت اعتماد شوهرش، طلاق میگیرد، اوکه با دختر ۷ ساله اش زندگی می کند، از فقدان چشم انداز و عدم اعتماد به آینده می گوید. از این که راهی برای پرگشت به خانواده پدری ندارد و خود نیز فاقد هرگونه امکانی است.

نمونه های فوق که بندرت به جراید راه می بیند، در زمرة مواردی می گنجند که زن به علت عدم توانایی در تامین معاش خود و فرزندانش از ادامه زندگی مستانصل می گردد. علاوه براین، فرهنگ موجود در جامعه و در خانواده به تحقیر زن منجر شده و اورا بر سر دوراهی مرگ و زندگی قرار می دهد. دسته دیگر، مواردی هستند که قانون پس از طلاق نیز گریبان زن را می گیرد. مرد هر زمان که اراده کند با توصل به قوانین متحجر و زن سنتی علیه همسر سابق خود وارد عمل می شود. این امر بدوا" با موافقت مرد صورت می گیرد و پدر مرتبه" به ملاقات فرزند خود می رود. پس از چهار سال، هنگامی که کودک ۵ ساله شده، پدربرای دیدن فرزند خود مراجعت می کند، او را با خود می برد و دیگر بر نمی گردد. مرد با همدمتی اقوام و بستگان خود، کودک را به یکی از کشورهای اروپائی می فرستد. پدر با گشودن پرونده ای در دادگاه،

## کمک های مالی رسانید

آلمان	- فرانکفورت - بدون کد	۱۵۰	مارک
آمریکا	- زندانی سیاسی	۲۰۰	دلار
آمریکا	- زندانی سیاسی	۵۰	دلار
آمریکا	- زندانی سیاسی	۲۰۰	دلار
فلورن	- زندانی سیاسی	۱۴	

**کمک مالی به سازمان یک وظیفه انقلابی است**

## انحصارات انگلیسی برای کسب سهم بیشتر از بازار ایران تلاش می‌کند

# روحیه اعتراضی کارگران پروژه ای نفت خوزستان بالا می‌کیرد

چندین ساله کارگران پروژه ای، اعتراض و نارضایتی را در میان آنان دامن زده است و آنها به اشکال مختلف از جمله جمع آوری طومار، اجتماع مقابله شرکت نفت و غیره اعتراض خود را ابرازداشتند. مراسم تشییع جنازه یکی از کارگران پروژه ای که در اثر برق گرفتگی جان سپرد نیز به مرکزی برای اعتراض تبدیل شد. ماجرا از این قرار است که یکی از کارگران پروژه ای پس از مدت‌ها بیکاری، برای مدت کوتاهی بکار فراخوانده می‌شود این کارگر جوان که ۲۸ سال داشت، در ساعت پایانی کار هنگامی که می‌خواست وسائل کارش را جمع کند، در اثر خرابی آسانسور، از نرده بان استفاده کرد و در اثر سقوط از ارتفاع ۴۸ متری پیکرش متلاشی شد و جان باخت. در مراسم تشییع جنازه این کارگر که می‌فرزند سه ساله‌ای نیز داشت، تمام کارگران این بخش به جز کارگران حفاظت شرکت کردند. مراسم حالت اعتراض آمیز شدیدی داشت و بیشتر به تظاهرات شیشه بود. وقتی رئیس شرکت نفت به محل آمد، کارگران شعار می‌دادند: رئیس، تو او را کشی. در اثر جو اعتراضی شدید، رئیس شرکت نفت بسرعت محل را ترک کرد. مسئولان شرکت نفت برای خودداری از پرداخت غرامت به خانواده کارگر مزبور، خود وی را مسبب این سانحه قلمداد کردند. در مراسم تشییع جنازه کارگر فوق، عوامل اطلاعاتی رژیم مرتب "به فیلم برداری از چهره های کارگران" می‌پرداختند. در این مراسم، کارگران جهت تامین مخارج خانواده همکار جان باخته شان، به جمع آوری پول پرداختند و مبلغی بیش از یک میلیون تومان جمع آوری کردند.

کارگران پروژه ای نفت خوزستان، محروم ترین شرکت های پیمانکار که پروژه های مختلفی را در ارتباط با صنعت نفت کنترات می‌کنند، با قراردادهای موقت سه ماهه بکارگرفته می‌شوند. پیمانکاران برای فرار از استخدام رسمی کارگران، آنها را با قراردادهای کوتاه مدت بکار می‌گیرند. بسیاری از کارگران پس از تمام قراردادشان اخراج می‌شوند. تعدادی دیگر دوباره با قرارداد موقت دیگری به کارگرفته می‌شوند. بخش اعظم کارگران پروژه ای نفت خوزستان که مدت‌هاست با وزارت نفت و پیمانکاران درگیر هستند و خواهان استخدام می‌باشند، این دسته از کارگرانند. طبق قانون کار، کارفرما نمی‌تواند آنها را اخراج کند چرا که برای لاقل ۲ دوره، قرارداد ۳ ماهه کار داشته اند. در عین حال کار فرما نمی‌خواهد آنها را استخدام نماید. درنتیجه این کارگران با دریافت مبلغ ناچیزی - اغلب ۴۰ هزار تومان - بلا تکلیف نگه داشته می‌شوند. آنها در حالت بلا تکلیف از مزایای دوران کار و خیرخواشی همه موانع برطرف شد. مناسبات سیاسی کشورهای عضو اتحادیه اروپا سطح مناسبات خود را با جمهوری اسلامی تنزل داد و خودش تمایلی به آن نداشت. با به قدرت رسیدن خانمی، به خیرخواشی همه موانع برطرف شد. مناسبات سیاسی کشورهای اتحادیه اروپا سطح مناسبات خود را با جمهوری اسلامی در سطح دولتی، مجموعه عواملی بودند که بر سطح مناسبات این دولت تاثیرگذاشتند. هرچند که دولت انگلیس زیرفشار دولت آمریکا و اتحادیه اروپا سطح مناسبات خود را با جمهوری اسلامی تخلص داد و خودش تمایلی به آن نداشت. با به قدرت رسیدن خانمی، به خیرخواشی همه موانع برطرف شد. مناسبات سیاسی کشورهای عضو اتحادیه اروپا با جمهوری اسلامی در سطح دولتی، مجموعه عواملی که این دولت بودند که این دولت رسیدن خانمی، به این امضای کارگران را بازگرداند. در عین حال در همین دوران بلا تکلیفی "دواطبلانه"، از خیر کار بگذرند و یا اخراج شوند. از جمله شیوه های وزارت نفت برای فرسوده کردن این کارگران و اخراج شان، واگذاری کارهای دیگر به آنهاست. مثلاً از کار گران می‌خواهند بعنوان رفتگر یا نظافتچی کار کنند و در صورت خودداری، آنها را اخراج می‌کنند. تا بحال تعداد قابل توجهی از کارگران پروژه ای به این شیوه اخراج شده اند. بلا تکلیفی

همه کشورهای اروپائی به آنها نزدیک ترند. در مقابل، بخشی از بورژوازی ایران منافع خود را با بورژوازی فرانسه و آلمان و امثالهم بهم گره زده است. گروهی هم هستند که از این که انحصارات آمریکائی در این تقسیم بازار سهیم نیستند ناله می‌کنند و اشک می‌ریزند. در هر حال، دولت انگلیس و انحصارات مالی و صنعتی این کشور با تمام قوا برای گسترش مناسبات بازیگرانی و صنایع در این زمینه سنگ تمام گذاشت. او در ملاقات با یکی از این هیئت های انگلیسی از این که مناسبات اقتصادی دو کشور از برخی کشورهای اروپائی عقب مانده است، ابراز نارضایتی و ناخرسنی نمود. وی که وابسته به جناح اصلی روحانیت در استگاه دولتی و عمده ای نماینده بورژوازی تجاری است، خطاب به این هیئت گفت: "انگلیسی ها خیلی به ما نزدیک ترند حتی نزدیک تر از فرانسه، آلمان و دیگر کشورهای اروپائی. انگلیسی ها بهتر مارا می‌فهمند و امیدواریم این روند ادامه پیدا کند". اظهارات خاموشی نشان میدهد که در بطن رقابت انحصارات بین‌المللی برای تسلط بر بازارهای ایران، بخش هایی از بورژوازی که منافعشان با یک قدرت امپریالیستی و انحصارات آن کشورگره خورده است، برای تحکیم موقعیت آن ها تلاش می‌کنند. از دیدگاه خاموشی، انحصارات اپریالیستی انگلیس باید موقعیت و بیوژه ای در ایران داشته باشد، چرا که به گفته وی بهتر جناح آقای خاموشی را می‌فهمند و از

به موجب قرارداد نقی تسعده می‌دانند نوروز و سروش، انحصار نقی روبال داج شل مبلغ ۸۰۰ میلیون دلار در این میادین سرمایه گذاری می‌کند و در ازای آن تنها ۲۰۵ میلیون دلار سود بانکی ۴۵۰ میلیون دلاریه عنوان حق الزحمه پیمانکار دریافت می‌کند. یعنی در ازای این سرمایه گذاری بعد انحصارات آلمانی، ایتالیانی و ژاپنی هستند.

## پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

وکارگر شده اند، بلکه به مشکل آنها رسیدگی شود.

## هفتاد کارگر در معرض اخراج و زورگوئی مدیران

شرکت پنbe نسوز نهیندان در جنوب خراسان در آستانه تعطیلی است و ۳۰۰ کارگر آن در معرض اخراج قرار دارند. مدیران شرکت یاد شده، اخراج ۷۰ کارگر را، شرط ادامه کاری کارخانه قرارداده اند و هشدار داده اند چنانچه طرح اخراج عملی نشود آنها شرکت را که تنها واحد تولید کننده آزبست در ایران است تعطیل خواهند کرد.

## اخراج و تشديد فشار بر کارگران کاشان

در واحدهای تولیدی کاشان مانند بسیاری دیگر از موسسات تولیدی در سایر مناطق، کارفرمایان و مدیران ضمن تشید فشارکار، دست به اخراج کارگران نیزدیده اند. در برخی از واحدهای تولیدی مثل شرکت محتمم، کارفرمایان آنقدر کارگران را تحت فشار قرارداده اند که آنان به بازخريد رضایت دهند و اجباراً خود را باز خريد کنند. در شرکت کاموای ایران نیز کارفرمایان پی در پی کارگران رالخارج نموده است. در مردم کارگران اخراجی فرش ماشینی نگارستان نیز، مدیریت این کارخانه از پذیرش رای هیئت های تشخیص و حل اختلاف و بازگشت به کار کارگران نیز امتناع میکند. بدون شک کارگران با حفظ اتحاد و یکپارچگی و مبارزه علیه زورگوئی ها، قادرند در برابر این فشارها بایستند و از حقوق خویش دفاع کنند.

## تعطیلی واحد نوشابه سازی بروجرد و بلا تکلیفی ۶۴ کارگر

واحد نوشابه سازی بروجرد که چند ماه پیش در جریان سفرخاتمی به لرستان گشایش یافت، در اوائل ابانهای تعطیل شد! رئیس اداره صنایع شهرستان بروجرد در توجیه تعطیلی کارخانه گفت این کارخانه به دلیل مشکلات نقدینگی و ایراد در پروانه بهداشتی تعطیل شده است. به گفته او کارخانه فوق به دلیل نداشتن دستگاه های پاستوریزاتور و چیلنرتوانسته است پروانه بهداشتی بگیرد، خریداری این تجهیزات حداقل ۲۰ میلیون تومان هزینه دارد و این در حالی است که کارخانه ۱۰۰ میلیون تومان کمبود نقدینگی دارد. با توقف تولید در کارخانهای که چند ماه پیش با جار و جنجال به عنوان یکی از طرحهای صنعتی استان لرستان به دست رئیس جمهور افتتاح شد، ۶۴ کارگر شاغل آن، بیکار شده اند. مسئول این کارخانه ابراز امیدواری کرده است که با خرید تجهیزات مورد نیاز و تعیین مدیر عامل جدید کارخانه "مجدا" راه اندازی شود اما عجالتاً کارگران کارخانه به انبوه کارگران بلا تکلیف و در واقع بیکار پیوسته اند.

در صفحه ۱۰

## خبری از ایران

معوقه آنها پرداخت خواهد شد. کارگران اخطار نمودند که اگر این بار وعده ها عملی نشود و حقوق معوقه کارگران پرداخت نگردد، آنها دست به اقدامات جدی تری خواهند زد. آنها سپس به تجمع خود پایان دادند.

### تحصن و تجمع

#### اعتراضی کارگران پتروشیمی

شرکت سجاد، پیمانکار شرکت پتروشیمی ارومیه، اخیراً ۸۴ تن از کارگران قراردادی را اخراج کرده است. در اعتراض به این مسئله، کارگران بعد از تجمع در برابر استانداری و اداره کل کار آذربایجان غربی، دست به تحصن زدند و خواستار بازگشت به کار شدند. گفته می شود که یک شرکت پیمانکار جدید، استخدام مجدد کارگران اخراجی را، مشروط به شرایط جدیدی کرده است که مورد پذیرش کارگران قرار نگرفته است.

### نامه اعتراضی

کارکنان سازمان انرژی اتمی با ارسال یک بار داشت اعتراضی به مطبوعات، خواستار پرداخت حقوق های معوقه خود شدند. آنان در این یادداشت اعتراضی از جمله نوشتند: "چند ماهی است که ما کارکنان سازمان انرژی اتمی حقوق خود را دریافت نکرده ایم و تماس با مسئولین نیز نتیجه ای نداشته و اظهار می دارند بودجه تامین نشده است. حال ما کارکنان سازمان که هیچ منع درآمد دیگری نداریم چگونه باید روزگار بگرانیم؟!"

### نامه اعتراضی کارگران

شماری از کارگران پروژه های تزریق گاز کرنج و پارس (وابسته به شرکت ملی نفت اهواز) با ارسال یک نامه اعتراضی برای کار و کارگر، نسبت به تداوم قراردادهای موقت اعتراض کرده خواستار روشن شدن وضعیت خود واستخدام رسمی شدند. این کارگران که از سال ۶۴ به صورت قراردادی مشغول بکار شده اند، پس از ۱۴ سال هنوز به صورت رسمی در نیامده اند و حتی برخی از مزایای اولیه آنها نیز قطع شده است و از سه سال قبل دیگر حق قراردادی هم با آنها انعقاد نیافتده است. کارگران در نامه اعتراضی خود در این مورد نوشتند: "در سال ۷۵ قرار دادی با ما منعقد نشد و همین طور بلا تکلیف مانده ایم و نمی دانیم که مزد روزانه ما چقدر است، آیا مزایائی نظیر طرح طبقه بندی مشاغل، اضافه کاری، نوبت کاری، حق اولاد، فوق العاده کارگاهی و... به ما تعلق گرفته یا خیر و اینکه پس از ۱۴ سال سابقه کار، میزان حقوق ما چقدر است؟" در انتهای نامه، کارگران خواستار انعکاس و چاپ نامه در روزنامه کار

## راه پیمایی و اجتماع اعتراضی کارگران سپیورکس

بیش از ۵۰۰ تن از کارگران شرکت فراورده های ساختمانی سپیورکس (فراسا) ساووجبلاغ، در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایای خویش دست به راه پیمایی زده و برای چندمین بار یک اجتماع اعتراضی برپا کردند. کارگران در حالیکه پلاکاردهایی با مضمون راه اندازی مجدد کارخانه و پرداخت حقوق های معوقه را حمل می کردند، به نشانه اعتراض از محل این شرکت به طرف شهر هشتگرد راه پیمایی کردند و بعد از پیمودن یک مسیر ۱۵ کیلومتری، در برابر اداره کارگران شهر و نیزد مصلای نماز جمعه، یک تجمع وسیع اعتراضی برپا کردند. در این اجتماع اعتراضی کارگری که بیش از ۱۵ ساعت بطول انجامید، کارگران نسبت به ناسامانی های موجود در شرکت یادشده و عدم پرداخت حقوقهای ماهانه خویش، شدیداً اعتراض کردند. شایان ذکر است که شرکت سپیورکس واپسیه به بانک صفت و معدن است و در حال حاضر دلیل بدھی این کارخانه، برق و تلفن آن قطع شده است! کارگران این شرکت برای چندمین بار است که دست به تجمع اعتراضی و راه پیمایی میزنند و هر بار مدیریت کارخانه و عده پرداخت حقوقها را داده است اما به آن عمل نکرده است. هم اکنون ۷۰۰ کارگر این کارخانه که بیش از ۵ ماه است حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده اند در حالت بلا تکلیفی بسر می بردند و خواستار رسیدگی به مشکلات خود هستند.

### اعتراض کارگران کارخانه لوله سازی خوزستان در مجلس

روز ۲۲ آبان تعدادی از کارگران کارخانه لوله سازی خوزستان در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و اخراج کارگران، از اهواز به تهران آمدند و به هنگام اجلاس علنی مجلس در قسمت تماشچیان حضور یافتند و نارضایتی خود را از وضعیت حاکم ابراز داشتند. کارگران گفتند که در ماه گذشته هیچ حقوقی دریافت نکرده اند. کارگران به طرح اخراج تعادی از رفقای خود اعتراض داشتند و می گفتند که ۴۰۰ کارگر این مجموعه به علت اجرای طرح ریزش نیرو در آستانه اخراج قرار گرفته اند.

### راه پیمایی و تجمع کارگران پیمانکاری جزیره خارک

کارگران پیمانکاری پاسارگاد چندین ماه است که حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده اند. آنها چندین بار فرما از پرداخت حقوق موقعة خودداری کرده است. لذا کارگران یک بار دیگر روز ۲۸ آبان دست به راه پیمایی زدند، دربرابر ساختمان بخشداری تجمع نمودند و خواستار پرداخت حقوق معوقه خود شدند. این بار نیز به کارگران و عده داده شد که به زودی حقوق

## خروج هزاران کارگر

افزایش یافته است . این افزایش سراسام آور قیمت کالاها و ضعیت زندگی کارگران و زحمتکشان را بیش از پیش دشوار و غیرقابل تحمل ساخته است. روز به روز سطح معیشت کارگران تنزل میابد و فقر ابعاد وسیع تری به خود میگیرد.

### زنان نان آور و زنان شاغل

رئیس سازمان بهزیستی حکومت اسلامی گفت حدود ۳ میلیون خانواده ها را زنان سرپرستی می کنند . او گفت ۷۰ درصد زنان نان آور خانواده ها فقیرند و دوسوم بیسواندن را زنان تشکیل میدهند. نرخ اشتغال مردان به زنان ۸۵ به ۱۵ است و فقط ۲۰ درصد زنان شاغل اند.

### کمبود ۱۲۰۰۰ کلاس درس در تهران

مقامات آموزش و پرورش استان تهران اعلام کردند که هم اکنون این استان با کمبود کلاس درسی مواجه است . مدیر کل نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس گفت اگر بخواهیم منتظر اعتبارات دولتی باشیم باید ۸ سال در انتظار باشیم تا این اعتبار تخصیص یابد. نامبرده در عین حال چنین اضافه کرد که "دولت با توجه به مشکلاتی که در پیش روی دارد، برایش امکان تخصیص چنین اعتباری وجود ندارد!"

### چند خبر کوتاه

\* محجوب نماینده مجلس ارجاع گفت از ۷ میلیون کارگر شاغل در کارگاه های کوچک، نزدیک به ۳/۵ میلیون نفر در کارگاه های کتر از ده نفر کار می کنند.

\* به دنبال یک سانحه و برخورد شدید چند دستگاه وسیله نقلیه از جمله وسیله ای که در حال حمل و نقل کارگران بود ، در محور جاده اختصاصی شرکت کشت و صنعت نیشکرکارون، ۴ تن از کارگران کاغذ سازی کارون کشته و ۱۸ تن دیگر به سختی مجروح شدند.

\* ۱۷۲ تن از کارگران کارخانه آزمایش در شرق تهران ، پس از خوردن غذای کارخانه، همگی دچار مسمومیت شده و به بیمارستان منتقل شدند.

\* در ظرف هفت ماهه اول سال جاری ۱۵ هزار تن از جویندگان کار در ادارات کارفارس ثبت نام کرده اند.

\* مدیریت صنایع استان آذربایجان غربی گفت اعتبارات تخصیصی به بخش صنایع این استان در سال جاری، ۵۰ درصد کاهش یافته است.

\* روزنامه رسالت از قول یک کارشناس محیط زیست نوشت " میانگین سن سکته های قلبی در تهران به ۳۲ سال رسیده است".

مدیر کل کار استان مرکزی عنوان کرد سال گذشته به پرونده ۱۱ هزار و ۱۶۰ نفر در قالب ۸ هزار و ۱۹۹ پرونده شکایتی در هیئت های تشخیص و حل اختلاف مورد رسیدگی قرار گرفته است. وی اضافه کرد که از مجموع ۹ هزار و ۵۸۳ نفری که برای آنان تقاضای اخراج شده بود، ۷۵۳ نفر اعاده به کار شدند!

نامبرده همچنین در مورد حوادث ناشی از کار در واحد های تولیدی استان مرکزی گفت در سال گذشته ۵۷۰ مورد حادثه در حین کاراتفاق افتاده بود ( هر ماهه حدود ۴۸ مورد) که این رقم در دو ماهه اول سال جاری به ۱۵۰ مورد ( ماهانه حدود ۸۰ مورد) رسیده است.

### حوادث ناشی از کار

روزنامه کار و کارگر اعلام کرد که در طول دو ماهه اول امسال ۱۷۵۲ نفر ازبیمه شدگان تامین اجتماعی، در محیط های کارگاهی دچار حادثه شده اند. این روزنامه با استناد به آمار دفتر آمار و محاسبات اقتصادی و اجتماعی سازمان تامین اجتماعی اعلام کرد از مجموع حادثه دیدگان، ۹۷۲ نفر به دلیل بی احتیاطی در هنگام کار و ۱۷۵ بعلت نداشتن اطلاعات و ۱۷ نفر به دلیل پوشیدن لباس نامناسب دچار حادثه شده اند. کار و کارگر چنین نوشت که از تعداد کل حادثه دیدگان، ۱۳۲۴ نفر از ناحیه دست و پا و انگشتان صدمه دیده اند . البته روزنامه کار و کارگر توضیح نداده است که بر سر مایه کارگرانی که دچار حادثه شده اند ( ۴۱۸ = ۱۳۲۴ - ۱۷۵۲ ) چه آمده است و در مورد کارگرانی که جان خود را از دست داده اند، سکوت کرده است.

### سه کارگر معدن در زیر آوار جان باختند

همه ساله تعداد زیادی از کارگران معدن در نتیجه عدم رعایت ضوابط ایمنی از سوی کارفرما، درنتیجه انفجار در تونل ها و گاز گرفتگی جان خود را از دست می دهدن. این رویداد تاسف بار مداوماً" تکرار می شود و در اوائل آذرماه در نتیجه انفجار و تخریب تونل شماره ۳۵، در معدن ذغال سنگ النگ رامیان از توابع شهرستان گند، تعدادی کارگر کشته و زخمی شدند. منابع رسمی دولتی اعلام نمودند که در این حادثه سه تن از کارگران براثر گاز گرفتگی و تخریب تونل کشته شدند.

### بهای فرآورده های لبنی ۳۰۰ ریال افزایش یافت

در اوائل آذر ماه به یکباره بهای هریک از محصولات لبنی ۳۰۰ ریال افزایش یافت. هم اکنون بهای هر لیتر شیراستریل ۲۹۰۰ ریال، خامه ۲۵۰ گرمی ۲۸۰۰ ریال، و هر بسته پنیر ۶۰۰۰ ریال به فروش می رود . در چند ماه گذشته بهای کالاها و خدمات مورد نیاز توده مردم شدیداً

## اخباری از ایران

### فوکا صنعت در معرض تعطیلی

شرکت فوکا صنعت ، تولید کننده لوازم خانگی واقع در استان همدان ، در آستانه ورشکستگی کامل و تعطیلی قرار گرفته است. علت ورشکستگی و احتمال تعطیلی این شرکت صنعتی را، روزنامه کار و کارگر، ضعف مدیریت، کمبود نقدینگی و مواد اولیه اعلام کرده است. این روزنامه همچنین اضافه کرده است که این واحد تولیدی ۵ میلیارد ریال به بانکهای تامین اجتماعی ودارانی بدھکار است. قابل ذکر است که این شرکت از سال ۷۴ به بخش خصوصی واگذار شده است. هم اکنون ۱۸۵ کارگر این تولیدکاری قرار دارند و حقوق و مزایای خود را از شهریور ماه به بعد دریافت نکرده اند.

### دو سال کار بدون دستمزد!

یکی از مسئولین خانه کارگر استان گیلان در رابطه با تعطیل شدن واحد های تولیدی این استان و عدم پرداخت حقوق و مزایای دارند. واحد های دایر از جمله گفت: در واحد های نظیر چوب اسلام، گیلان پاکت، تن ساز، ایران جیکا، نساجی شمال، شیر پاستوریزه، کفش گنجه، پرسان، آسانسور گیلان و چندین واحد تولیدی دیگر، ۶ تا ۲۴ ماه حقوق نگرفته اند. وی اضافه کرد که واحد های نظیر آلموکت، آسانسور سازی گیلان، صنایع چوب، قطعات پدکی گیلان، آریا موقت نیز بوسیله صاحبان آنها تعطیل شده و برخیل بیکاران افزوده اند.

### تعطیل الباس باف

شرکت الباس باف ( پوشک ایلام ) بعد از ۱۸ سال فعالیت، اخیراً تعطیل شد ودها کارگران از کار بیکار شدند. شایان ذکر اینکه این شرکت از زیرمجموعه های بنیاد جانبازان انقلاب اسلامی می باشد.

### کارخانه قند اسلام آباد تعطیل شد

کارخانه قند اسلام آباد غرب تعطیل و ۷۰۰ کارگر و کارمند این کارخانه بلا تکلیف و از کار بیکار شدند. علت تعطیلی این کارخانه، فرسودگی و از اتفاقات دستگاه های تولیدی اعلام شده است.

### بنیاد مستضعفان و اخراج کارگران

کارگران مشغول بکار در کارخانه ها و واحد های تولیدی زیر پوشش بنیاد مستضعفان در آذربایجان شرقی، در معرض اخراج و بیکاری قرار دارند. بسیاری از کارگران این واحد بیکار نیروهای قراردادی اخراج شده اند. طبق عنوان نیروهای قراردادی اخراج شده اند. گزارش روزنامه کار و کارگر اخیراً این بنیاد با ایجاد تغییراتی در واحد های زیر پوشش خود و تبدیل واحد های تولیدی به تجاری، موجب سرگردانی و بلا تکلیفی کارگران شاغل را فراهم ساخته است.

## کمیته های کارخانه را در هر کارگاه ایجاد کنیم

کارگر کارخانه تراکتورسازی Roman SA واقع در شهر Brasov در شمال شرقی بوخارست اشاره نمود. براساس توافق بادییریت کارخانه، قرار بود که در طول ماه های اکتبر و نوامبر، دستمزد کارگران ۱۵٪ افزایش یابد. با رسیدن ماه اکتبر کارگران منتظر افزایش دستمزدهای خود بودند. اما با گذشت یکماه هنوز هیچ خبری از افزایش دستمزدها نبود که روز ۴ نوامبر مدیریت کارخانه اعلام نمود که بد لیل کاهش سفارشات، قادر به افزایش دستمزدها نخواهد بود. اعلام این خبر جرقه ای بود بر اینبار باروت خشم فرخورده کارگران. روز ۵ نوامبر، هزاران کارگر در میدان مرکزی شهر Brasov گردید و پیمانی نمودند. اعتضایون خشمگین در میان راه خیابان ها را مسدود نموده و عبور و مرور اتومبیل ها را بلکه متوقف نمودند. بعد از تجمع در مقابل ساختمان دولت نیز به یکاره هزاران کارگر با کوکتل مولوتوف به آن حمله نموده و با مامورین ضد شورش پلیس رومانی به زد و خورد پرداختند. خبر از سرگیری اعتراضات کارگران، مقامات دولت را به وحشت انداختن و آنها را وارد نمود که برای آرام کردن اوضاع به سمت شهر Brasov زمان، در شهر Brasov حکومت نظامی اعلام شد و به استور مقامات پلیس برگزاری هرگونه تظاهرات و راه پیمانی تا اطلاع ثانوی منع اعلام شد. مقامات گسیل شده دولتی نیز بسرعت با نمایندگان کارگران به مذاکره نشسته و وعده دادند که در اسرع وقت وطبق توافقات قبلی، به خواسته های کارگران عمل نمایند.

هر میان با آغاز اعتراضات کارگران، روز ۵ نوامبر، هزاران نفر داشتجو، در شهر بوخارست کلاسهای درس را تعطیل نموده و به خیابان ها آمدند. داشتجویان در خیابان های مرکزی شهر دست به راه پیمانی زده و در مقابل ساختمان دولت تجمع نمودند. خواست داشتجویان درین روز عبارت بود از: افزایش کمک هزینه تحصیلی؛ بهبود شرایط خوایگاهها و حق استفاده مجانية از اتویوس وقطارهای شهری.

مامورین پلیس بلا فاصله برای متفرق کردن دانشجویان وارد عمل شده و کار به زد و خورد با تظاهر کنندگان منجر شد. روز ۹ نوامبر نیز دو باره هزاران داشتجو کلاسها را تعطیل نموده و به خیابانها آمدند. راه پیمانی داشتجویان در این روز به مختل شدن عبور و مرور اتومبیل ها منجر شد. تجمع در مقابل پارلمان و پاپشاری بر خواسته های خود، نقطه پایان اعتراضات دانشجویان در این روز بود.

روز ۱۰ نوامبر، نوبت به کارکنان راه آهن رومانی رسیده که قدرت اتحاد و تشکل خود را به نمایش گذاشتند. در این روز هزاران کارگر دست از کار کشیده و در مقابل پارلمان در شهر بوخارست تجمع نمودند. خواست کارگران در این اعتضاب:

افزایش دستمزدها به میزان ۲۴٪؛

بهبود شرایط ایمنی کار؛

افزایش دستمزد هامتناسب با تاریخ تورم وبالآخره توقف فوری خصوصی سازی راه آهن دولتی رومانی بود.

اعتراضات کارگران اما با بی اعتنائی نخست وزیر و مقامات دولت روپوشد. برغم مقاومت واعتراضات کارگران، نخست وزیر رومانی اعلام

زده اند. اعتضایون هر روزه در مقابل درورودی اطلاعیه درمیان عابرین، اهداف خود را از بیانی این اعتضاب، که همانا برسمیت شناختن حق تشکل آنهاست، توضیح می دهند.

## تظاهرات ۱/۵ میلیون نفر در برزیل

در پاسخ به فراخوان شورای سراسری اتحادیه های کارگری برزیل CUT، روز ۱۰ نوامبر، بیش از ۱/۵ میلیون کارگر، داشتجو، معلم، دهقان بی زمین و پرستار کارهای خود را تعطیل نموده و در چندین شهر برزیل با راه پیمانی، بیانی تجمعات اعتراضی، مسدود ساختن راه های ارتباطی و ایجاد راه بندان نارضایتی خود را از سیاستهای اقتصادی دولت سوسیال دمکرات این کشور به نمایش گذاشتند.

این سیاست ها که مستقیماً از سوی موسسات مالی امپریالیستی، نظیر صندوق بین المللی پول، به دولت برزیل دیگه برای میلیونها و فلاتک و افزایش بیکاری گسترش دارد. برای نفر نتیجه دیگری به همراه نداشته است. برای مثال، واکنش موسسات عظیم دولتی، نظیر صنایع نفت و تلفن، به ثمن بخش بسیار بداران خصوصی، باعث بیکاری میلیونها نفر و افزایش فقر و فاقه در میان توده های محروم این کشور شده است.

## اعتضاب کارگران فیلیپس در هلند

در اعتراض به تعطیل کارخانه لامپ سازی فیلیپس در Terneuzen و انتقال تولید این کارخانه به لهستان، روز ۲۰ نوامبر صدها از کارگران دست از کار کشیدند و کارخانه را به اشغال خود در آوردند. با تعطیل کارخانه فوق، ۲۸۰ کارگر بیکار خواهند شد. این درحالیست که انتقال تولید لامپ فیلیپس از هلند به لهستان با انگیزه سود اندوزی بیشتر و نیروی کار ارزان کارگران است. اعتضاب کارگران در شش میان روز پایان یافت و قرار است در نیمه دوم دسامبر طرفین به مذاکره بنشینند.

## اعتضاب کارخانه

### رنگ سازی Flex در هلند

روز ۶ دسامبر، کارگران کارخانه رنگ سازی Flex در شهر Sneek در اعتراض به انتقال کارخانه فوق که به بیکاری ده ها کارگر منجر خواهد شد، دست از کار کشیدند.

## تظاهرات کارگران و داشتجویان در رومانی

ماه های ژوئن و ژوئیه کشور رومانی شاهد اوج کیدی مبارزات کارگری برای بهبود شرایط کار و زندگی بود. هزاران کارگر در طول این دو ماه دست به اعتضاب زده و در راه پیمانی ها و تجمعات اعتراضی، خواسته های خود را مطرح نموده و برای تحقق آنها پاپشاری نمودند. نتیجه این اعتراضات، عقب نشینی دولت ویندیش بخشی از خواسته های کارگران بود. از جمله می توان به قبول خواست بیش از ۸ هزار نفر



## اعتضاب معنچیان در لهستان

دولت لهستان اخیراً اعلام نمود که تا سال آینده، ۱۵ معدن از مجموع ۷۷ معدن این کشور بدليل "زمیان دهی" تعطیل خواهد شد. بلا فاصله پس از انتشار این خبر، روز ۲۲ اکتبر، صدها نفر از معنچیان لهستان، در اعتراض به این تصمیم دولت، دست به اعتضاب زده و با برپائی تظاهرات و راه پیمانی در خیابانهای چند شهر، مخالفت خود را با تعطیل صندوق بین المللی پول، به نمایش گذاشتند. در همین روز صدها معنچی خشمگین، خطوط راه آهن در جنوب این کشور را مسدود نموده و عبور و مرور قطارهای داخلی و بین المللی را متوقف نمودند. اعتضایون اعلام نمودند که این تلاش های دولت تنها برای تحقق شروط تحمیلی از سوی موسسات مالی امپریا لیستی بوده و "زمیان دهی" این معادن فقط بهانه ای برای تسریع روند و اکناری آنها به سرمایه داران بخش خصوصی میباشد. در عین حال اعتضایون اعلام نمودند تا توقف کامل تعطیل سازی معادن، افزایش حق رفاهی، کارگران، به تضمین شغلی و حقوق رفاهی، تعطیل کارخانه ای از اشکار شدن مبارزه خود ادامه خواهد داد. با آشکار شدن عزم راسخ کارگران و مقاومت آنها در مبارزه برای دست یافتن به خواسته های خود، روز ۲۶ اکتبر دولت لهستان اعلام نمود که در سال آینده هیچ کارگری اخراج نمیشود و هیچ معنی دلار نخواهد شد. علاوه براین مبلغ ۳ میلیون دلار بیش از بودجه فعلی دولت، به هزینه های رفاهی کارگران در سال آینده اختصاص داده خواهد شد.

## اعتضاب کارگران حمل و نقل در آمریکا

روز اول نوامبر، اعتضاب صدها نفر از کارگران بارانداز بنادر و رانندگان شرکت حمل و نقل Overnite، وارد دو مین هفته خود شد. شرکت حمل و نقل Overnite، چهارمین شرکت بزرگ حمل و نقل در آمریکاست که بیش از ۱۲۵۰۰ نفر کارگر و راننده در شعب مختلف آن به کار مشغولند. صاحبان این شرکت در طول ۶ سال موجودی آن، با تسویه به تهدید، زور و پیگرد پلیسی کارگران، از ایجاد تشکل های کارگری ممانعت بعمل آورده اند. اما برغم تمام این تشبیثات، کارگران مبارزه همه جانبه ای را از اوائل سال ۱۹۹۴ برای ایجاد تشکلهای مستقل خود آغاز نمودند. در طول چند سال گذشته، ۳۶ درصد کارگران در ۲۳ شعبه این شرکت متحمل به ایجاد تشکلهای پایه ای اتحادیه کارگران حمل و نقل شدند. اما مبارزه به همین جا ختم نشده و به قول کارگران، "هنوز راه طولانی در پیش است". در همین راستا، از اواسط ماه اکتبر، کارگران بارانداز و راننده های ۱۴۰ شعبه این شرکت در ۳۹ ایالت آمریکا، دست به اعتضاب

## پیشتبانی اتحادیه همصدما در انگلیس از مبارزات دانشجویان در ایران

به دنبال تلاش‌های فعالین سازمان ما در انگلستان، کنفرانس سالانه اعضاء مهاجر و مهاجرالاصل اتحادیه همصدما (unison) که با شرکت ۴۰۰ نماینده از سراسر انگلیس در نوامبر سال جاری برگزار شد، قطعنامه‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران و در پیشتبانی از مبارزات اخیر دانشجویان تصویب نمود. در بخش‌هایی از این قطعنامه آمده است:

- "... کنفرانس اعضاء مهاجر و مهاجرالاصل اتحادیه همصدما ترویسم دولتی اعمال شده بر مردم ایران و دانشجویان را محاکوم کرده و تصمیمات زیر را تاختاذ میکند:
- از طریق اتحادیه همصدما، کنگره اتحادیه های کارگری، TUC. بین الملل اتحادیه های کارگران و کارکنان خدمات عمومی، دولت بریتانیا، سازمان ملل، سازمان غفو بین الملل و دیگرانهاد های مربوطه بین المللی، آزادی بی قید و شرط دستگیر شدنگان بیگیری شود.
- محکوم کردن ترویست ایران و قطع رابطه با آن (کنفرانس خواستار مذکور اتحادیه همصدما با دولت بریتانیا در این مورد است).
- کنفرانس خواهان تماس و همکاری اتحادیه همصدما با جنبش دمکراتیک ایران در داخل و خارج از ایران می‌باشد تا از طریق رعایت حقوق بشر اطمینان حاصل نماید."

## برنامه سوم توسعه اقتصادی

\* اصل چهل و چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی: نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران برپایه سه بخش دولتی، تعاقنی و خصوصی با برنامه ریزی منظم و صحیح استوار است.

بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه آهن و راه و مانند اینهاست که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است.

بخش تعاقنی شامل شرکتها و موسسات تعاقنی تولید و توزیع است که در شهر و روستا بطبق ضوابط اسلامی تشکیل می‌شود. بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می‌شود که مکمل فعالیت‌های دولتی و تعاقنی است. مالکیت در این سه بخش تا جایی که با اصول دیگر این فصل مطابق باشد وaz محدوده قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد و مایه زیان جامعه نشود مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی است.

تفصیل ضوابط و قلمرو و شرایط هرسه بخش را قانون معین میکند.

## اعتراض بیکاران در آلمان

روز ۵ نوامبر دولت آلمان آمار بیکاری در این کشور را اعلام نمود. براساس این آمار دولتی، در سال ۱۹۹۹، ۴۰ هزار نفر و در سال ۲۰۰۰، ۶ هزار نفر به تعداد بیکاران در سال آینده به ۳ میلیون ۹۶۹ هزار نفر بالغ خواهد شد. همزمان با اعلام این خبر، دستگاه تبلیغاتی سرمایه‌داران آلمان دهمین سال فروپاشی "دیوار بریلین" را با سرو صدای زیادی جشن گرفته و از نعمات فروپاشی این "دیوار" برای جهانیان صحبت کردند. در این میان، اما از تشذیب فقر، بیکاری و عدم امید به آینده در میان میلیونها کارگر در کشورهای اروپای شرقی هیچ صحبتی به میان نیامد. این جشن در واقع جشن سرمایه‌داران برای کسب سودهای نجومی در تمام سالها بود. اما گوئی عطش سوداندوزی سرمایه‌داران سیزی ناپذیر است. هنوز تعریف و تمجید مجیزگویان سرمایه از معجزات اقتصادی بازار پایان نیافرته بود، که دولت آلمان اعلام نمود برای مقابله با کسری بودجه دولت در سال آینده، مبلغ ۳۰ میلیارد مارک باید صرفه جوئی گردد، ویکی از راههای تامین این مبلغ، کاهش ۸ میلیارد مارک از حق بیمه بیکاری کارگران خواهد بود. به این ترتیب همزمان با افزایش بیکاری، فشاربه بیکاران نیز افزایش یافته و انها رفته رفته از حداقل امکانات زندگی نیز محروم خواهند شد.

اعلام این خبر موج وسیعی از اعتراض و نارضایتی را در میان میلیون‌ها کارگر بیکار برانگیخت. اتحادیه‌های کارگری و اتحادیه‌های سراسری بیکاران آلمان اعلام نمودند که تدارک حرکات اعتراضی وسیعی را در بیش از ۱۸۰ شهر این کشور آغاز نموده و با تمام توان با اجحاف آشکار و روز افزون سرمایه‌داران به مقابله برخواهد خواست.

## تسهیل گردش سرمایه در جهان

هر روز که می‌گذرد، دست شرکتهای عظیم چند ملیتی برای صدور آزادانه سرمایه بدهیگر کشور های جهان بازترمی شود. سازمان ملل متحد در گزارش سالانه خود پیرامون سرمایه گذاری در جهان در سال ۱۹۹۸، اعلام نمود که در این سال در بیش از ۶۰ کشور جهان، ۱۴۵ لایحه در مورد شرایط سرمایه گذاری خارجی به تصویب رسید که ۹۸ درصد این لوایح، یعنی ۱۴۲ لایحه به تسهیل هرچه بیشتر این شرایط برای سرمایه گذاران خارجی اختصاص داشت. تشدید روند جهانی شدن سرمایه، تمام کشورهای تحت سلطه را به تکابو و اداشت تا با ایجاد تسهیلات لازم، ملزم و تسریع صدور سرمایه‌های خارجی بدهکشورهای خود را فراهم کنند. آمار مربوط به سال ۱۹۹۶ نیز مودیان واقعیت است. در این سال نیز، از ۱۱۰ لایحه تصویب شده در مورد شرایط سرمایه گذاری طی در کشورهای مختلف جهان، ۹۸ درصد این لوایح، تنها وظیفه دولتها در ایجاد تسهیلات لازم برای سرمایه‌داران خارجی را تعیین می‌نمود.

## خبرگزاری جهان

نمود که روند خصوصی سازی‌ها ادامه خواهد یافت. نتیجه تلاشهای دولت در راستای واگذاری بخش‌های مختلف راه آهن به سرمایه‌داران خصوصی تا کنون چیز دیگری جز اخراج قریب به ۷۵٪ کارگران یعنی بیش از ۱۴۰ هزار نفر نبوده است. این اقدامات، خشم اعتصابیون را برانگیخته و کارگران معتبرین مبارزه خود را با راه پیمایی به سمت یکی از استگاههای اصلی راه آهن در شهر بوخارست و تحصن برروی خطوط حرکت قطار ادامه دادند. با این تحصن حرکت قطارهای شهری و بین‌المللی متوقف شده و صدھا ماموریلیس ضد شورش تادندا مسلح، به سرعت کارگران متحصن را حاصره نمودند. جدیت و قاطعیت کارگران موجب شد نمایندگان کارگران به مذاکره دعوت شوند. روز ۱۱ نوامبر تحصن پایان یافت و کارگران اعلام نمودند تا تحقق کلیه خواسته‌ها به مبارزه ادامه خواهند داد.

در ادامه این مبارزات و در پاسخ به فراخوان دهها اتحادیه کارگری، روز ۱۸ نوامبر هزاران کارگر دست از کارکشیده و برغم سرمایش شدید، در چند شهر رومانی علیه سیاستهای اقتصادی دولت و فشارکمرشکن هزینه‌های زندگی، دست بدراه پیمائی و تظاهرات زدند. در شهر Ploiesti هزاران کارگر کارخانه‌های تراکتورسازی و صنایع نفت در خیابان‌ها راه پیمائی کرده و خواهان افزایش دستمزدها و امنیت شغلی شدند. در حال حاضر کارگران رومانی با متوسط دستمزدی معادل ۱۰۰ دلار، پائین ترین سطح دستمزد را در میان کارگران کشورهای اروپائی دارند. اعتصابیون در این روز اعلام نمودند که پائیز امسال، پائیزرسید و گسترش اعتصابات کارگران علیه فقر و فلاکت عمومی خواهد بود.

همزمان با اعتصابات و تظاهرات کارگران، هزاران دانشجو نیز در ۱۸ نوامبر، کلاس‌های درس را تعطیل نموده و در اعتراض به وحامت وضعیت خود در خیابان‌های چند شهرهای پیمائی نمودند. در شهر Lasi، زدو خورد شدیدی بین دانشجویان و مامورین پلیس درگرفت که طی آن دهها دانشجو رخمه شده و صدھا نفر بازداشت شدند. همزمان با اعتصابات روز ۲۲ نوامبر، صدھا کارگر در اعتراض به اخراجهای وسیع ماهیانی اخیر در خیابان‌های Lasi، دست به راه پیمائی شدیدی بین کارگران و پلیس درگرفت. روز ۲۳ نوامبر پی‌گردان مرکزی شهر تجمع نمودند. در به صفوف اعتصابیون حمله کرده و درگیری شدیدی بین کارگران و پلیس درگرفت. در این روز ۲۴ نوامبر نیز در پاسخ به فراخوان مجدد اتحادیه‌های کارگری، هزاران کارگر ضمن تعطیل کارهای خود به خیابان‌های مرکز شهر بوخارست آمد و به سمت ساختمان نخست وزیری راه پیمائی نمودند. اعتصابیون در مقابل این ساختمان تجمع نموده و با مشتھای گره کرده، مسئولان دولت را "دزد" خطاب کرده و خواستار استغفاری قوری دولت این کشور شدند.

## دیگر اسناد شورائی ، . . . . .

### اطلاعیه تشکیلات خارج کشور سازمان فدائیان (افقیت)

#### شبکه ترور و جاسوسی رژیم همچنان فعال است!

در حالیکه هنوز زمان زیادی از برگزاری دادگاه میکنویس و افشاگران نقش مستقیم سران رژیم در ترور و کشتار مخالفان در خارج کشور نگذشته است، درحالیکه طی یکسال گذشته، چندین تن از مخالفان حکومت در داخل ایران به دست عوامل امنیتی رژیم به فجع ترین شکل ممکن به قتل رسیده اند، بادستگیری و آغاز محکمه یکی از مأموران وزارت اطلاعات در بریلن، گوشی دیگری از فعلیت شبکه ترور و آدمکشی جمهوری اسلامی در خارج کشور افشا شد.

روز چهارشنبه ۲۴ نوامبر ۱۹۹۹ نخستین جلسه محکمه حمید خسند در شعبه یک دادگاه عالی برلن برگزار شد. در ۹۵ کیفرخواست دادگاه که توسط دادستان قرات شد از جمله آمده است که طبق اطلاعات دولت آلمان، حمید خسند از سال ۹۵ تا زمان دستگیری، در آلمان و دیگر کشورها در ارتباط با وزارت اطلاعات رژیم به شناسایی نیروهای اپوزیسیون پرداخته است. او مسئول جمع آوری اطلاعات و ارسال گزارش در مورد سازمان مجاهدین و شورای ملی مقاومت بوده و از همین رو به آن سازمان پیوسته است. حمید خسند در تمام دوران یاد شده، مرتباً گزارش خود را در اختیار وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی قرار می داده است. در سالهای نخست، گزارش را به فردی به نام مرادی معافون کنسول جمهوری اسلامی در برلن می داده، پس از برگزاری دادگاه میکنویس، که یکی از تابع آن اخراج تعادی از عوامل وزارت اطلاعات از آلمان و از جمله مرادی معافون کنسول بود، حمید خسند گزارشاتش را مستقیماً به تهران و به شخصی در وزارت اطلاعات به نام «سید» می داده است.

او طی سالهای گذشته برای جمع آوری اطلاعات و شناسایی نیروهای اپوزیسیون، مرتباً در حرکات ضدriزم، مجتمع ایرانیان و محل تجمع نیروهای اپوزیسیون شرکت می کرده است. همچنین با سرزدن به کپهای پناهندگی به بهانه کمک به پناهجویان برای تنظیم کیس پناهندگی، کمک به خانوادهای آنان در ایران و غیره، اطلاعاتی در باره پناهجویان جمع آوری و در اختیار وزارت اطلاعات قرار می داده است. آخرین تماس های او با «سید» در تهران، در فوریه، ۱۹ مارس، ۷۷ می، ۱۵ روزن ۱۹۹۹ بوده است. او در این تماس ها اطلاعات مختلفی در اختیار «سید» قرار داده از جمله مشخصات فرد دیگری که او را برای افزودن به شبکه خبرچینی و نفوذی رژیم مناسب می داشته، به سید داده و نظر وی را در این مورد جویا شده است.

حمدی خسند روز ۱۴ زوئیه ۹۹ با حکم دادستانی آلمان دستگیر شده و محکمه او در هفته های بعد نیز ادامه خواهد داشت. حمید خسند در ابتدای تشکیل جلسه دادگاه، درست به شیوه کاظم دارابی و سایر عوامل رژیم که در دادگاه میکنویس محکمه شدند، تلاش کرد با توسل به بهانه های مختلف دادگاه را به تعیین یابانداز، اما به تبیجه ای نرسید. حمید خسند بدون شک یکی از ده ها عامل اطلاعاتی رژیم در خارج کشور است که تلاش می کند بانفوذ در میان اپوزیسیون، اطلاعات مورد نیاز شبکه تروریستی و کشتار مخالفان را که توسط دستگاه های پلیسی و اطلاعاتی رژیم سازماندهی شده و به وسیله مقامات رده اول جمهوری اسلامی هدایت می شوند، جمع آوری نماید. دولت های غربی در بسیاری از موارد از فعلیت عوامل رژیم که تحت عنایون مختلف از قبیل بایزگان، دانشجو، پناهجو و غیره در این کشورها ساکن می شوند و در ارتباط با سفارتخانه، کنسولگری ها، مراکز فرهنگی و تجاری وابسته به رژیم، به جمع آوری اطلاعات از مخالفین حکومت اقدام می کنند مطلعند، اما بر این فعلیت های تروریستی که مستقیماً امنیت و جان صدها هزار ایرانی تبعیدی را به خطر می اندازد چشم می بوشند. هرگاه نیز که موردی از اینگونه اعمال تروریستی رژیم علیه مخالفان افشاء و پیگیری شده است، یا تحت فشار نیروهای اپوزیسیون بوده و یا مصالح سیاسی دولت مربوطه در این میان نقش ایفا کرده است. حتی در چنین مواردی، مذوران و آدمکشان رژیم، پس از مدتی بطور پنهانی آزاد می شوند و به ایران فرستاده می شوند و فعلیت تروریستی شان را از سر می گیرند. بیوهده نیست که ماشین ترور و سرکوب مخالفان در خارج کشور و به ویژه در کشورهای اروپایی با پیگیری و شدت تمام به کار ادامه می دهد. کیفرخواست دادستان دادگاه عالی برلن علیه حمید خسند نشان می دهد که حتی احکام دادگاه میکنویس و اخراج چند تن از عوامل رژیم از آلمان، به شبکه ترور و سرکوب رژیم در خارج کشور آسیبی وارد نساخته است و تنهای چند مهره جایگزین شده اند. حمید خسند که پیش از این گزارشات را به امثال مرادی می دادند، آسوده کار خود را داده اند و تنهای رایتشان تغییر کرده است.

دستگیری حمید خسند و اطلاعاتی که در ارتباط با فعلیت های تروریستی وزارت اطلاعات رژیم علیه مخالفان در کیفرخواست دادستان علیه او آمده است - و بدون شک یکی از ده ها مورد فعلیت چنین عنصری است - یکبار دیگر به اثبات می رساند که حاکمت جمهوری اسلامی با سرکوب و ترور و کشتار مخالفان عجین شده است. شبکه سرکوب و ترور که تاکنون هزاران تن را در زندان ها کشتار کرده، صدها تن در داخل ایران بوده و به فجع ترین اشکال ممکن به قتل رسانده و ده ها تن را در خارج کشور ترور کرده است، مادام که جمهوری اسلامی بر سر کار است، از کار باز نخواهد ایستاد. بنابراین ضروری است که نیروهای اپوزیسیون بطور جدی در مقابل تلاش های رژیم برای نفوذ در میان مخالفان، و اعمال تروریستی آن هشیار باشند و به مبارزه برای افشاگران هرچه بیشتر این سیاستها دامن بزنند. باید به دولت های غربی فشار بیاریم تا تمام اطلاعات مربوط به فعلیت عوامل اطلاعاتی رژیم علیه مخالفان را علني کنند. دولت های غربی و سایر دول، مسئول مستقیم حفظ امنیت و جان صدها هزار پناهندگان سیاسی و پناهجو هستند که در این کشورها زندگی می کنند.

#### سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

#### زنده باد سوسیالیسم

#### تشکیلات خارج کشور سازمان فدائیان (افقیت)

۹۶ نوامبر

که این دو مطالبه فوری طبقه کارگر، همانطور که در ابتداهم به آن اشاره کردیم، در چارچوب برنامه های حداقل قدمی کمونیست ها، یعنی مطالبات بورژوا دمکراتیک نمی گنجد و هر چند که مطالبات سوسیالیستی هم به حساب نمی آیند، اما گام هایی به سوی سوسیالیسم اند و برای نیل به سوسیالیسم مطلقاً ضروری اند.

واقعی و نه رهائی کارگران و زحمتکشان هیچ کدام ممکن و میسر نیست. با عملی شدن این دو خواست انتقالی، نه فقط کامل ترین و همه جانبه ترین آزادیهای سیاسی و حقوق دمکراتیک مردم تامین می گردد، بلکه راه پیشرفت و پیشرفتی طبقه کارگر و برای نیل به پیروزی سوسیالیسم نیز هموار می گردد. روشن است

معناست که شوراهای کارگران باید حساب و کتاب تولید را در تمام موسسات خواه دولتی و یا خصوصی داشته باشند، از دخل و خرج موسسه و کارخانه آگاه باشند، میزان تولید، چگونگی توزیع، خرید و فروش محصولات، اندوخته ها و نخادر، سود سرمایه داران، استخدام ها، اخراج ها و موارد دیگری نظیر آن را تحت کنترل دقیق خود بگیرند. باینهمه مسائل اقتصادی صرفاً به کارخانهها خلاصه نمی شود. برای مقابله با بحران اقتصادی و برای بهبود شرایط معيشی کارگران و زحمت کشان، حکومت شورائی بايستی به یک رشته اقدامات عاجل دیگر نیز دست بزند و قبل از همه کلیه صنایع و موسسات متعلق به سرمایه داران بزرگ، احصارات امپریالیستی و نهادهای مذهبی را ملی کند. این اقدام برای سر و سامان دادن به امر تولید به شکلی برنامه ریزی شده، کنترل جدی آن و بهره برداری از این موسسات به نفع توده های زحمتکش و بالآخر قطع سود ها و غارتگری صاحبان سرمایه های بزرگ امری ضروری واجتناب ناپذیر است.

با این همه سرمایه داران هنوز هم میتوانند دست به اقدامات خراب کارانه بزنند وبا حقه بازیهای خود و نقل و انتقال سرمایه، حکومت شوراهای تضعیف نموده و یا به شکست بکشند. بنا بر این ضروری است که یک کنترل و حساب رسی دقیقی از طرف شوراهای برآمود اقتصادی جامعه اعمال شود. برای اینکه بتوان یک کنترل دقیق بر اقتصاد جامعه اعمال کرد، نقل و انتقال سرمایه ها و معاملات را تحت کنترل و نظارت قرارداد و جلو سو استفاده ها و حقه بازیهای سرمایه داران را گرفت، ادغام تمام بانک های ملی شده در یک بانک واحد ضروری است . با برقراری یک کنترل دقیق کارگری و نظارت بر کار بانک واحد، شوراهای میتوانند به آسانی نقل و انتقال سرمایه ها و معاملات تجار را تحت کنترل و نظارت قراردهند و جلو سو استفاده های سرمایه داران را بگیرند. بدیهی است که این اقدام یعنی ادغام بانک ها در یک بانک واحد و اعمال یک کنترل و نظارت دقیق از طریق شوراهای راه را برای آگاهی و دست اندانی شوراهای بر حجم سرمایه ها باز می کند و این امکان را به دولت شورائی می دهد تا هم به نفع بهبود وضعیت معیشتی کارگران و زحمتکشان از آن استفاده نماید، هم بهترین اندام اقتصادی را تنتظیم کند. کنترل و نظارت کارگری مقدمه ای بر مدیریت کارگری است . جریان کنترل و نظارت مستمر کارگری، بستر شکل گیری مدیریت کارگری و انتقال به مدیریت کارگری را هموار می سازد. و با انتقال از کنترل کارگری به مدیریت کارگری مسیر رهائی کامل و نهائی طبقه کارگر از قید و بند سرمایه نیز هموار می گردد.

بنابراین یگانه پاسخ اصولی به وضعیت بحرانی موجود و برای تامین آزادی و بهبود وضعیت اقتصادی، سرنگونی جمهوری اسلامی واستقرار حکومت شوراهاست . دیگر اسناد شورائی و نظارت کارگری فوری کنترل و نظارت کارگری به مدیریت کارگری مسیر رهائی کامل و نهائی طبقه کارگر از قید و بند سرمایه نیز هموار می گردد. و برای تامین آزادی و بهبود وضعیت بحرانی موجود و برای تامین آزادی و بهبود وضعیت اقتصادی، سرنگونی جمهوری اسلامی واستقرار حکومت شوراه است . دیگر اسناد شورائی و نظارت کارگری به مدیریت کارگری مسیر رهائی کامل و نهائی طبقه کارگر از قید و بند سرمایه نیز هموار می گردد.

**چرا اعضاء اتحادیه های کارگری،  
حزب سوسیال دمکرات  
آلمان را ترک میکنند؟  
(ترجمه از جهان جوان)**



**جمهوری اسلامی حتی  
عبدالله نوری را هم تحمل نکرد**

جمهوری اسلامی همواره نشان داده است که هیچ مخالفت و انتقاد اندک جدی را حتی از درون جناح های هیئت حاکمه و طرفداران حکومت اسلامی تحمل نمی کند.

دادگاه ویژه روحانیت امروز حکم خود را علیه عبدالله نوری روزنامه خرد روزنامه خرد صادر کرد و وی را به اتهام اهانت به احکام اسلام و مقدسات مذهبی، اهانت به خمینی، افترا و نشر اکاذیب و فعالیت تبلیغی علیه جمهوری اسلامی به پنج سال زندان، پنج سال محرومیت از فعالیت های مطبوعاتی، تعطیل روزنامه خرد و ۱۵ میلیون ریال جرای نقدی محکوم نمود. این اتهامات و محکومیت مربوط به فردی است که سالها کارگزار و پاسدار حکومت اسلامی و مدافع و پیروی چون وچای خیمنی بوده است. او تا بدان حد مورد اعتماد حکومت نیز از زاویه دیگری جزو جمله وزارت کشور، دوباره به وی سپرده شود. برخی مخالفت ها و انتقادات وی به یک جناح حکومت نیز از زاویه دیگری جزو نجات حکومت اسلامی از بن بست و سرنگونی نبوده است. اما همین اندک انتقاد نیز کافی بود تا وی به اتهام اهانت به احکام اسلام و مقدسات مذهبی، اهانت به خمینی، نشر اکاذیب و فعالیت های تبلیغی علیه جمهوری اسلامی محکوم شود و روانه زندان گردد.

همین امروز دادگاه دیگری حکم محکومیت سردبیر روزنامه تعطیل شده نشاط و عصر آزادگان کوئی را صادر کرد و وی را به سه سال زندان و پرداخت ۱۲ میلیون ریال جزای نقدی محکوم نمود.

این محکومیت ها نشان می دهند که حتی از طریق تلاش های جناح دورانیش و به اصلاح اصلاح طلب رئیم، راهی برای نجات حکومت اسلامی نیست. آنها شکست خود و سیاستهایشان را آشکارا شان می دهند و گاه قربانی بحران می شوند. آنها با این شکست ها نشان می دهند که بحران رژیم جمهوری اسلامی نه با حک و اصلاح نظام حکومتی موجود بلکه با سرنگونی و نابودی قطعی آن حل خواهد شد.

سازمان فدائیان (اقاییت) که برای سرنگونی جمهوری اسلامی و همه جناح های آن مبارزه می کند، در همان حال که تلاش گروه های موسوم به جبهه دوم خرد برابر نجات رژیم جمهوری اسلامی و ثبت نظام سرکوبگانه مذهبی، و پیلسی - بوروکراتیک را انشاء و محکوم می کند، تعطیل مطبوعات و محکوم نمودن دست اندرکاران آنها را نیز محکوم می نماید.

**سرنگونی پاد رژیم جمهوری اسلامی  
سازمان فدائیان (اقاییت)  
۱۳۷۸/۹/۶**

**کار - فان - آزادی - حکومت شواری**

**دولت در مورد نرح تورم دروغ می گوید ، . . .**

عمال رژیم در محیط های کارگری مدتی است به کارگران می گویند " تنها راه نجات کارگران از معضلات کنونی حضور نمایندگان بیشتر آنان در مجلس است " آنان بین وسیله، هم به سیاق سایر کارگزاران رژیم به کارگران دروغ می گویند و هم سعی می کنند خواست فوری و بالفعل کارگران یعنی خواست افزایش دستمزدها را به پشت صحنه بفرستند. اما این دروغ کارگزاران رژیم در محیط های کارگری نیز، فاقد کارآثی است. کارگران از رژیم اسلامی خواه دولت و خواه مجلس آن، هیچ خیری ندیده اند. کارگران بیشتر ازدو ده است که این رژیم وقوفیان خد کارگری مجلس آن را نیزدیده و تجربه کرده اند. رژیم جمهوری اسلامی و مجلس آن، یک رژیم ضد کارگری و یک مجلس ضد کارگری است. راه نجات کارگران، در سرنگونی این رژیم واستقرار یک حکومت کارگری است. معهداً خواست های عاجل کارگران از جمله خواست افزایش دستمزد ها را نمیتوان و نباید نه آنطور که سران خانه کارگر تبلیغ میکنند به بعد از بازیهای انتخاباتی رژیم و نه به بعد از سرنگونی آن موقول کرد. دستمزدهای کارگری نه طبق دروغ ها و رقم سازیهای دولت و بانک مرکزی در مورد میزان تورم، بلکه متناسب با افزایش نرح واقعی تورم باید اضافه شود. کارگران با برپائی و سازمان دهی یک کارزار مبارزاتی وسیع و با اتحاد و مبارزه مشکل میتوانند در این زمینه گام هائی به جلو بردارند و خواست افزایش دستمزدرا به سرمایه داران و رژیم آنها بقولانند.

تورم به حدی است که نمی توان تصنیعی و در پوشش یک سری آمار وارقام قلابی آنرا استخار کرد. اکنون دیگر چندین سال و دست کم سدسال است که حتی عوامل وابسته به رژیم و سران خانه کارگرهم اعتراف می کنند که دستمزدهای کارگری فقط یک سوم هزینه ها را می پوشاند و میان درآمدهای کارگری و هزینه ها، ۲۰۰ درصد فاصله است. همین چند روز قبل نیز محبوب دبیر کل خانه کارگر در مردم کاهش قدرت خرید کارگران گفت " مقایسه قدرت خرید کارگران بین سال های ۷۶ - ۷۱ نسبت به سال های ۵۸ - ۶۳ نشان میدهد که قشر دستمزد بگیر جامعه بیش از دو سوم این قدرت را از دست داده است " ( کاروکارگر ۱۸ آبان ۷۸ ) واقعیت آن است که کارگران با هزار جان گذشته کاری و اضافه کاری و انجام کارهای دیگری در کنار کار اصلی خود، باز هم نمی توانند اپیس هزینه های فزاینده بپایند. در این زمینه نیز همین اقلای محظوظ که پیشتر به دستگاه حکومتی وصل است میگوید ۵۴ درصد کارگران ایران روزانه بیش از ۱۲ ساعت کار می کنند که چنانچه از ساعات کار فوق بکاهند با مشکلات عدیده ای در زمینه مسائل معیشتی روبرو میگردند. معهداً می دانیم که علیرغم این اضافه کاریها نیز کارگران نمی توانند فاصله روبه تزايد نرح تورم و دریافتی های ناچیز خود را پر کنند و فقط به سختی میتوانند ادامه حیات دهند. شایان ذکر است که سران خانه کارگر ضمن اشاره به گوش های از حقایق و معضلات کارگری، کارگران را به صبر و تحمل دعوت می کنند و به آنان وعده های توخالی نیز می دهند.

\*\*\*\*

س \_ بعد از ۳۱ سال عضویت در حزب سوسیال دمکرات شما اخیراً از عضویت در این حزب استعفا دید چرا؟

ج \_ از ۲۴ مارس ۱۹۹۹ دولت آلمان بعد از جنگ دوم جهانی برای اولین باره در یک جنگ تهاجمی شرکت کرد. من در آن موقع معاون رئیس ایالتی انجمن همکاری در مردم مشکلات کارگران بودم. من نمی توانم عضو حزبی باشم که نمایندگان و صدراعظم آن علیه یک دولت کوچک مثل یوگسلاوی می جنگد.

س \_ آقای هیکش ( UWE Hiksche ) که قبل نماینده حزب سوسیال دمکرات در مجلس آلمان بوده است از این حزب استعفا داده و می خواهد به PDS پیوندند. شما همچنین تغییر و تحولاتی را مشاهده کرده اید؟

ج \_ ما عنوان اعضاء اتحادیه های کارگری، قبل از انتخابات ۲۷ سپتامبر ۱۹۹۸ ( بعد از این انتخابات حزب سوسیال دمکرات به اتفاق حزب سبزها بعد از ۱۶ سال حکومت انتلاقی موجود در آلمان را تشکیل دادند ) با تبلیغاتمن تحت عنوان " برای کار و عدالت اجتماعی " خواهان تغییر حکومت بودیم ، اما تنها دستاورده این انتخابات تغییر حکومت بود. تاکنون چندین نفر از حزب PDS استعفا داده اند. اما اینکه آیا جریان آقای هیکش واقعاً " برای کارگران سرمتشق می شود یا نه؛ این را من نمیتوانم در حال حاضر در باره اش نظر دهم. حزب PDS دارد در مردم مسائل اتحادیه های کارگری فعالتر می شود. عدالت اجتماعی موضوعی است که به همه اعضاء اتحادیه های کارگری مربوط می شود. می توانم خوب تصور کنم که نظریات PDS عده ای از اعضاء اتحادیه های کارگری را جلب خواهد کرد، چرا که این حزب برای همان ایده آلتی می جنگد که من سالها خودم را وقف آن کرده ام، یعنی عدالت اجتماعی.

دولت آلمان باید به سیاست قطع خدمات اجتماعی پایان دهد . صدر اعظم آلمان شرودر همان سیاست صدر اعظم قبلی را ادامه می دهد و این سیاست غلطی است. اینکه دولت محدودیت در پرداخت حقوق کامل در موقع بیماری و تغیرات در قانون " حمایت در مقابل اخراج " را پس گرفته قدم های درستی است که برداشته است، اما دولت انتلاقی کنونی متسافران در همین حد مانده است و زمانی که تصمیم گرفته می شود ۳۰ میلیارد مارک صرفه جوئی شود قبل از همه این سیاست صرفه جوئی ۱۲/۸ میلیارد مارک از حقوق انسانهای کم می کند که همتراز همه درآمد دارند، یعنی بازنشسته ها، بیکارها و دریافت کنندگان کمک های اجتماعی.

س \_ شما اوضاع رادرین اعضاء اتحادیه ها چگونه ارزیابی میکنید؟ نظر آنها در مورد سیاست صدر اعظم شرودر چیست؟

## پاسخ به سوالات

طبقاتی و انقلاب باورداشته باشد نمیتواند شرایط جنگ داخلی و اقدامات اضطراری طبقه کارگر را که ممکن است به محدود کردن یا سلب حقوق سیاسی طبقه سرمایه داربیانجامد، انکار کند. هرچند که از دیدگاه سازمان ما به محض پایان یافتن وضعیت اضطراری، اقدامات اضطراری نیز باید پایان یابد و محدودیت‌ها "کاملاً" برطرف گردد، اما بهرحال این اقدامات با آزادیهای بی‌قید و شرط سیاسی جور در نمی‌آید. نمی‌توان بورژوازی را سرکوب کرد و موقتاً هم که شده از آزادی محروم شاست و با این وجود ادعای آزادیهای بی‌قید و شرط سیاسی را داشت.

اکنون به سؤال دوم پیردازیم. به لحاظ طبقاتی از دیدگاه سازمان ما، کارگران و زحمتکشان جریان چچ جامعه را تشکیل می‌دهند که برای سرنگونی جمهوری اسلامی و تحقق مطالبات و اهدافشان از طریق انقلاب مبارزه می‌کنند. و از چچ در اینجا نسبی است و در بطن شرایط کنونی جامعه و وظائفی که انقلاب به فوریت با آن روبروست، معنا دارد. در شرایط دیگری چچ میتواند تنها طبقه کارگر باشد. چرا که زحمتکشانی که ما امروز از آن سخن میگوئیم خود بورژوازی فقیر و میانه حال را در بر میگیرد. نمونه تبیک این اقتشار، دهقانان میانه حال و فقیراند که کسی را استثمار نمی‌کند و از طریق کار و فعالیت شخصی خود بروی قطعه زمینی که متعلق به خود آنهاست کارمیکنند و امرارمعاش می‌نمایند. بگذیرم از این که خود بورژوازی فقیر ناگزیر است که بخشا" نیروی کار خود را هم بفروشد. پس چچ در شرایط کنونی مشکل از کارگران و خود جمهوری اسلامی را سرنگون کنند می‌خواهند. و منافعشان در درهم شکستن خواستار انقلابند و منافعشان در استقیم دستگاه دولتی موجود و اعمال حاکمیت مستقیم توده ای است. این اعمال حاکمیت مستقیم از دیدگاه سازمان ما از طریق شوراهای استقرار حکومت شورائی صورت میگیرد. گروهها، سازمان‌ها و احزاب سیاسی که به ذنوی منافع کارگران و زحمتکشان را نمایندگی میکنند و بعض‌اوسویا لیست هم نیستند، بلکه دمکرات انقلابی هستند، از دیدگاه سازمان در شرایط کنونی چچ محسوب می‌شوند. ملاک اصلی در هر حال عبارت است از سرنگونی جمهوری اسلامی، درهم شکستن ماشین دولتی بورژوازی و استقرار دولتی از نوع کمون و شوراهای ملاک چچ انقلابی بودن در همین است.

حال پیردازیم به سؤال سوم: بدیهی است که وقتی از درهم شکستن دستگاه دولتی بورژوازی و ایجاد دولتی نوین صحت می‌شود که در آن جائی برای بورکراسی ممتاز و مافق مردم و ارتش حرفاًی مجزا از مردم وجود ندارد و توده زحمتکش از طریق شوراهای مستقیماً" اعمال حاکمیت می‌کند، ما با یک دولت کارگری سرو کارداریم. با این وجود در ایران ما از همان آغاز با سلطه یکپارچه طبقه کارگر یعنی دیکتاتوری پرولتاریا روپرور نیستیم. آنچه وجود خواهد داشت، اعمال حاکمیت مشترک کارگران و زحمتکشان، تحت هژمونی طبقه کارگر است. این در واقع یک حکومت انقلابی - دمکراتیک و یک حکومت انتقالی به دیکتاتوری پرولتاریاست. همین که فوری ترین وظایف انقلاب انجام گرفت، انتقال به دیکتاتوری پرولتاریا صورت میگیرد و تحولات سوسیالیستی آغاز می‌شود.

مخدر دست دارد. آخرین دولت کلمبیا بخاطر یک رسواشی معامله مواد مخدور برکنار شد. مخارج تبلیغات حزبی دولت را مافیا پرداخت می‌کرد. دولت فعلی هم دست کمی از دولت قبلی ندارد. در حال حاضریک دادگاه بزرگ در این مورد جریان دارد، اما معلوم نیست که این دادگاه به نتایجی برسد یا نه. همه شواهد بر این دلالت دارند که نظامیان و سیاستمداران درامر مواد مخدور دست دارند، درست مثل آمریکا. دولت امپریا - لیستی آمریکا مزورانه فریاد مبارزه علیه قاچاق و معامله مواد مخدور سر می‌دهد و تا کنون ۲۰۰ سرباز را تحت عنوان گردان ویژه برای مبارزه علیه مواد مخدور به کلمبیا اعزام داشته است. آمریکائی‌ها مرتبًا مزارع کوکائین متعلق به دهقانان خرد را انش میزند بدین وسیله هستی آنها را منهدم می‌کنند. این اعمال ضرری به ما نمیزند. مشکل در اینجاست که برای دهقانان در نتیجه سیاست لیبرالیزه کردن اقتصاد چاره دیگری به جز کشت کوکائین باقی نمی‌ماند. دهقانان با فروش مخصوصات کشاورزی سنتی شان در بازار جهانی درآمدی بدست نمی‌آورند، بنابراین با کوکائین و یا کانابیس کشت می‌کنند. لازم به یاد آوری است که این دهقانان مخدور معامله نمی‌کنند.

س - مشکل اصلی را در چه چیزی می‌بینید؟ - سیاست تبلیغاتی دولت آمریکا دهقانان کوچک رامسئول معامله مواد مخدورنشان میدهد. این سیاست همچنان ادامه دارد و به هیچگونه راه حل منجر نمی‌شود. به دهقانان خرد پایه‌ستی یک آلترناتیو در مقابل کشت کوکائین ارائه شود، چرا که تنها وقتی که آنها بتوانند محصولات کشاورزی سنتی شان را به قیمتی بفروشند که برایشان یک زندگی انسانی را ممکن سازد، بیگر مواد مخدور کشت خواهندکرد. به ما تهمت زده می‌شود که با کشت کنندگان مواد مخدور همبستگی اعلام می‌کنیم. وقتی که انسان دلائل اصلی را بررسی کند به این مسئله پی میرد که چرا از آنها دفاع میکنیم ما نه یک نیروی پلیسی بلکه یک ارتش خلق انقلابی هستیم که برای عدالت اجتماعی مبارزه می‌کنیم. ما معتقدیم که یک رفرم اساسی در کشاورزی پیش فرض حل این مشکل است.

درزیر یک مصاحبه کوتاه با سخنگوی کمیسیون بین‌المللی جنیش رهائی بخش کلمبیا از نظرتان می‌گذرد. درج مصاحبه لزوماً به معنای تأیید موضع متروکه در آن نمیباشد. (تحریریه کار)

\*\*\*\*\*

## چرا یک اعتراض عمومی در کلمبیا؟

(مصالحهای باخووان آنتونیو روخاس سخنگوی کمیسیون بین‌المللی جنیش رهائیبخش کلمبیا FARC EP) (به نقل از روزنامه جهان جوان مورخ دوشنبه ۴/۱۰/۱۹۹۹)

س - در کلمبیا مذاکراتی بین دولت و چریک‌ها انجام گرفت. آین مذاکرات منجر به چه تعییراتی شد؟

ج - اوضاع در کلمبیا پیچیده است و این دیالوگ دستاوردي نداشت. دولت مثل گذشته توسط نیروهای شبه نظامی، کارگران کشاورزی، سرپوشستان و فعالين حقوق بشر را تبرور میکند. این تبرورهای سیاسی نشاندهنده انعطاف ناپذیری دولت کلمبیا است. از آنجا که برای ما هیچگونه امکان مداخله سیاسی در سوالات اجتماعی وجود ندارد ۳۵ سال است که مسلحانه علیه رژیم کلمبیا و امپریالیسم آمریکا مبارزه میکنیم. اخیراً حمایت سیاسی از جنیش رهائی بخش ما افزایش پیدا کرده است. رژیم کلمبیا از نظر اقتصادی هم در وضع بدی است. سیاست صنعتی کردن کلمبیا با شکست مواجه شده و بیکاری افزایش می‌باید. در حال حاضر ۲۰ درصد بیکاری وجود دارد. بیش از یک و نیم میلیون کلمبیائی در تعیید بسی می‌برند و اپوزیسیون در داخل، در مقابل رژیم ایستادگی میکند. برای روز ۳۱ اکتبر ۱۹۹۹ مده زحمتکشان یک وسیله مهم برای تحت فشار قراردادن رژیم است.

س - وقتی که از کلمبیا صحبت می‌شود فوراً موضوع مواد مخدور و گروه‌های مافیائی بیان انسان می‌ایند. شما در باره این دو مسئله چه نظری دارید؟

ج - برای ما کاملاً مشخص است که رژیم کلمبیا

یک رژیم فاسد است و در قاچاق و معامله مواد نمی‌داند. چه باید کرد؟

ج - به عقیده من اتحادیه ها قبل از همه نباید تشکیلاتی برای کم کردن حقوقها و ازبین بردن مشاغل باشند. اتحادیه ها باید دوباره جایگاه خود را به عنوان جنگنده منافع مزد بگیران، بازنشسته ها و بیکاران پیدا کنند. این سیاست، اتحادیه ها را قوی خواهد کرد. به عقیده من سیاست انتخاب بد در مقابل بدترنیاد سیاست برده باشد.

س - آیا شما عضو حزب PDS هستید؟

ج - نه. من خودم را برای حزب PDS در یک منطقه برای انتخابات ایالاتی در لیست آزاد کاندیدا کردم. سعی می‌کنم حزب PDS را از نزدیکتر بررسی کرده و بینم چه راهی را می‌رود. امیدوارم در جهت عدالت اجتماعی باشد. هدف PDS باید سوسیالیسم باشد و نباید برای پرکردن خلاصه حزب سوسیالیسم باشد. نماید. حزب PDS نباید وظیفه خودش را ترمیم سرمایه‌داری بداند و باید حتماً سیاستی مدناندواره مزد بگیرد که به کنسنترهای بزرگ و ثروت خودشان را علیه سیاست دولت هدایت نمایند. آشکارا اعترافات مردم راسازماندهی کنند.

س - در حال حاضر یکی از معضلات اتحادیه ها کم شدن دائمی اعضاء آنهاست. خیلی از شاغلین، اتحادیه ها را دیگر حامی منافع شان

## چرا اعضاء اتحادیه های کارگری ، ، ، ،

ج - هم اعضاء وهم نمایندگان بر جست اتحادیه ها به سیاست دولت انتقاد میکنند. میشود گفت

که آنها تا اندازه ای از این سیاست خشمگین هستند اما من در حال حاضر اوضاع را نمیدانم.

س - به نظر شما یک سیاست چه اتحادیه ای چگونه سیاستی است؟

ج - قبل از همه ما باید حامی منافع مزد بگیران، بازنشسته ها و بیکاران باشیم. یک سیاست اتحادیه های چه سیاستی است که مردم را علیه

طرح صرفه جوئی دولت به اعترافات بزرگ فراخواند. در این مورد در حال حاضر متاسفانه کم کاری میشود. در عین حال وفاداری بعضی از اعضاء بر جست اتحادیه ها به حزب PDS

نیز در این رابطه (یعنی کم کاری اتحادیه ها در سازماندهی مردم) نقش موثری دارد. اما من معتقد این اوضاع تغییر خواهد کرد.

اتحادیه ها باید خشم شهر وندان و اعضاء خودشان را علیه سیاست دولت هدایت نمایند.

س - آشکارا اعترافات مردم راسازماندهی کنند.

س - در حال حاضر یکی از معضلات اتحادیه ها کم شدن دائمی اعضاء آنهاست. خیلی از شاغلین، اتحادیه ها را دیگر حامی منافع شان

## پاسخ به سوالات

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)،  
نامه های خود را در دو نسخه جدا گانه  
برای دوستان و آشنایان خود در خارج از  
کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان  
را به یکی از آدرس های زیر پست کنند.

I.S.V.W  
Postfach 122  
Postamt 1061 , Wien  
Austria

I.S.F  
P.B. 398  
1500 Copenhagen V  
Denmark

M.A.M  
Postbox 6416  
75139 Uppsala  
Sweden

Sepehry  
Postlagernd  
3052 Zollikofen  
Switzerland

A.A.A  
MBE 265  
23 , Rue Lecourbe  
75015 Paris  
France

P.B. 22925  
1100 DK Amsterdam  
The Netherlands

اطویش

دانمارک

سوئد

سوئیس

فرانسه

هلند

حالا ما معتقد هستیم که دریک حکومت شورائی  
باید عموم مردم بتوانند از آزادیهای سیاسی به  
طور واقعی برخوردار باشند و همه امکانات در  
اختیارتوده مردم قرار بگیرد. در اینجاست که آزادیهای  
سیاسی بشکل واقعی و گسترده‌ان معمول خواهد  
شد. با همین درک است که برنامه سازمان ما  
خواهان برقراری آزادیهای سیاسی به کامل ترین  
شکل آن در ایران شده است و تصریح کرده است  
که در قانون اساسی حکومت شورائی آزادی فکر  
و عقیده، آزادی بیان، آزادی مطبوعات، آزادی  
احزاب و سازمانهای سیاسی، آزادی تشکل های  
صنفی و دموکراتیک آزادی اجتماع، تظاهرات،  
اعتصاب وغیره بدون قید هرگونه شرط و شروط  
اما و مگر گنجانده شود. این بدان معناست که  
آزادی های سیاسی متعلق به عموم مردم است.  
آزادی در اینجا مشروط و مقید به این نمی شود  
که فرد، گروه یا طبقه ای حکومت شورائی و قانون  
اساسی آنرا را قبول داشته باشد. این بدان معناست  
که مخالفین حکومت شورائی و قانون اساسی آن  
نیز آزادی های سیاسی برخوردارند. این بدان  
معناست که حتی دشمن طبقاتی ما یعنی بورژوازی  
نیز علی الاصول میتواند حزب خود را تشکیل دهد،  
می تواند تبلیغ خود را داشته باشد، می تواند  
علناً اجتماعات تشکیل دهد و خلاصه کلام فعلیت  
سیاسی کند و از آزادی های سیاسی برخوردار  
باشد. این است نحوه برخورد سازمان ما به  
آزادی های سیاسی. معهدها علیرغم اعتقاد به این  
آزادی کامل و گسترده، شعار آزادیهای بی قید  
و شرط سیاسی در ادبیات سازمان ما بکارنی  
رود. چرا؟ به این علت که ما به مبارزه طبقاتی  
و انقلاب معتقد هستیم. هیچکس قدرت را دو  
دستی تقییم طبقه کارگر و زحمتکشان خواهد  
کرد. قدرت از طریق انقلاب جایجا می شود و  
انقلاب هم مکرر موارد بسیار نادر در تاریخ با  
قهقهه همراه است. با قیام مسلحانه و چنگ داخلی  
همراه است. بنابراین تحت شرایط خاصی ممکن  
است وضعیتی پیش آید که طبقه کارگر به ناگزیر  
طبقه سرمایه دار را حتی از حقوق سیاسی محروم  
کند. همانگونه که بورژوازی زمانی در مبارزه  
علیه اشرافیت چنین کرد. کسی که به مبارزه

سؤال شده است که اولاً) سازمان فدائیان  
(اقلیت) آزادیهای بی قید و شرط سیاسی را بول  
دارد یا نه؟ ثانیاً) منظور شما از نیروهای چپ  
انقلابی چیست؟ ثالثاً) آیا حکومت شورائی  
همان دولت کارگری است یا چیزی متفاوت از آن؟  
از سوال نخست آغاز میکنیم. واقعیت این است  
که عبارت آزادی های بی قید و شرط سیاسی نه  
با یک درک و برداشت واحد، بلکه با برداشتهای  
 مختلف ارائه می شود. گفته می شود که در  
دمکراسی های پارلمانی آزادیهای بی قید و شرط  
سیاسی وجود دارد. اما در حقیقت در کشورهای  
 مختلف به درجات و با توجیهات متفاوت این  
 آزادیها محدود و مشروط شده است. برخی از  
 سازمانهای سیاسی ایرانی نیز که شعار آزادیهای  
 بی قید و شرط سیاسی را مطرح میکنند، برداشت  
 های خاص خود را ارائه می دهند. به عنوان  
 نمونه بعضی از آنها جلسات بحث و سخنرانی  
 اپوزیسیون های نیمه قانونی حکومت اسلامی را  
 برهم میزنند و البته استدلالشان هم این است که  
 آنها میتوانند آزادانه اجتماع خود را تشکیل دهند  
 و ماهم آزادیم آنرا برهم بزنیم و مانع تشکیل آن  
 شویم. بنابراین روش نیست که سوال کننده  
 با چه درک و برداشتی آزادیهای بی قید و شرط  
 سیاسی را مطرح میکند تماماً به آن جواب دهیم.  
 معهدها میتوانند درک و برداشت و نحوه برخورد  
 سازمانمان را با آزادی های سیاسی بشرح زیر  
 توضیح دهیم: سازمان ما مدافعان برقراری آزادی  
 های سیاسی در کامل ترین و گسترده ترین شکل  
 آن است. از دیدگاه سازمان ما برغم اینکه در  
 دمکراسی های پارلمانی، آزادی های سیاسی به  
 رسمیت شناخته شده است، اما این آزادی ها  
 صوری هستند، به این دلیل ساده که اصلی ترین  
 امکانات مادی و ابزارهای تبلیغاتی در دست  
 بورژوازی است. البته طبقه کارگر میتواند آزادانه  
 حزب تشکیل دهد، در انتخابات شرکت کند. به  
 تبلیغ و ترویج سوسیالیسم پردازد، اما فرستندهای  
 رادیوئی و تلویزیونی، خبرگزاریها، چاپخانه ها،  
 روزنامه ها، سالنهای اجتماعات و . . . متعلق به  
 بورژوازی است. پس کسی امکان عملی استفاده  
 از آزادی های سیاسی را دارد که ابزارهای لازم  
 برای استفاده از آن را در اختیار داشته باشد.

در صفحه ۱۵

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی  
زیر واریز و رسید آنرا به همراه کد مورد نظر به  
یکی از آدرس های سازمان ارسال نمایید

I.W.A  
6932641 Postbank  
Holland

### شماره فکس

### سازمان فدائیان (اقلیت)

۴۹ - ۶۹ - ۵۹۷۹۱۳۵۷

نشانی سازمان بر روی اینترنت:

<http://www.fedaian-minority.org>



Organization Of Fedaian (Minority)

No. 332 dec1999

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورائی